

اهداف و سیاستهای کلی حکومت اسلامی با نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اهداف و سیاستهای کلی حکومت اسلامی با نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سید جلال میر آقایی

بسم الله الرحمن الرحيم

«جمهوری اسلامی ایران»، دستاورد بزرگ انقلاب شکوهمندی است که به رهبری حضرت امام خمیند(ره) عالمی فرزانه از نسل پیامبر اکرم و با ایثار، فداکاری و جانبازی ملت قهرمان ایران در آستانه قرن پانزدهم هجری قمری در ایران اسلامی به باز نشست.

این انقلاب در عصری که دین به حاشیه زندگی انسانها رانده شده بود و تمام نظامهای عالم براساس علمانیت و سکولاریسم جوامع انسانی را اداره می کردند با تکیه بر قرآن و سنت، نظم نوینی را در دنیا مطرح کرد که به انسانها وعده عدالت، آزادی، معنویت و حرمت به حقوق پایمال شده آنها می داد.

«قانون اساسی» جمهوری اسلامی ایران اوّلین طرح منسجمی است که برای حاکمیت دین خدا و اداره جامعه بر اساس ارزشهای الهی به دنیا عرضه می شود، و در آن اصول سیاستها و سمت گیریهای این نظام نوپا و

انقلابی به شیوه ای «عصری» و «نظام یافته» تبیین شده است.

شناخت این سیاستها و اصول ارزشی که توسط عده ای از فقها، متفکران و

—(172)—

اندیشمندان بزرگ حوزه و دانشگاه و اسلام شناسان انقلابی به ثمر رسیده است، از ضرورت‌های مبرم نسل دوم انقلاب و همه حرکتهای اسلامی و انقلابی دنیای اسلام است. گفتاری که در پیشرو داریدبر آن است تا با الهام گیری از کتاب خدا و سنت معصومین علیهم صلوات الله اجمعین سمت گیریها و سیاستهای «حکومت اسلامی» را تبیین کرده و با نظری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصالت اسلامی این سند مهم انقلاب اسلامی را اثبات نماید.

یاد آوری این نکته ضروری است که منظور از سیاستهای کلی، اصول ارزشی حاکم بر برنامه ریزیهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که یک حکومت اسلامی باید به آن پایبند باشد. شیوه های اجرایی و روشهای کار بردی هر یک از این اصول ممکن است با توجه به شرایط اجتماعی هر جامعه ای تفاوت داشته باشد.

عناوین بحث:

اهداف و سیاست های کلی حکومت اسلامی:

1 - الهام گیری از کتاب و سنت

2 - مشورت با صاحبان اندیشه

3 - بهره گیری از دستاوردهای علمی بشر در زمینه های مختلف

4 - احترام به افکار عمومی

5 - مدارا با مردم و دوری از تحمیل

6 - گسترش معنویت و اخلاق در جامعه

7 - حاکمیت ارزشهای توحیدی در اداره جامعه اسلامی

8 - احترام به حقوق انسان

9 - مبارزه با تبعیضهای ناروا

-(173)-

10 - موضع مردمی و ضد اشرافی

11 - حمایت از محرومان و مستضعفان

12 - تنظیم عادلانه روابط و مناسبات اقتصادی

13 - تامین رفاه عمومی

14 - قانونگرایی

15 - تاکید بر استقلال قوه قضائیه

16 - مساوات مردم در برابر قانون

17 - سادگی و صمیمیت رهبران

18 - سیاست مقابله به مثل با مخالفان

19 - دوری از خشونت و خونریزی

کتاب خداوند متعال «قرآن مجید» و سنت پیامبر اکرم، دو منبع اصلی استنباط احکام و قوانین اسلامی هستند. کلیه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی باهمه اختلافاتی که در فروع فقهی و احکام شرعی دارند بر اعتبار این دو منبع مهم اتفاق نظر دارند و هر یک مدعی هستند که فقه خود را از کتاب و سنت دریافت داشته اند.

لزوم متابعت از کتاب و سنت و حجیت آنها نیاز به استدلال ندارد و این از بدیهیات نزد همه مسلمانان و مسلمانات فقه آنها است، لکن جهت تکمیل بحث به پاره ای آیات و روایات که مستند حجیت این است اشاره می شود:

-(174)-

1 - ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيِّنَةً لَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ لِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (سوره بقره: 213).

پس خداوند پیامبران را فرستاد تا نیکان را بشارت داده و بدان را بترسانند و با آنها کتاب را به راستی فرستاد تا بین مردم در آنچه اختلاف کرده اند حکم کند.

2 - ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِالْحَقِّ لِنُحْكُمَ بَيْنَ الَّذِينَ ائْتَيْنَاهُمُ بِاللَّهِ وَلَا تَكُنْ لِلْخَافَتَيْنِ خَصِمًا﴾ (سوره نساء: 105).

ما به سوی تو قرآن را به راستی فرروفرستادیم تا میان مردم به آنچه خداوند با وحی خود بر تو پدید آورد حکم کنی و نباید بر نفع جنایتکاران با مؤمنان به خصومت بر خیزی.

3 - ... وَ مَّا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا... (سوره الحشر: 7).

آنچه را پیامبر به شما بدهد بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید.

4 - انی تارک فیکم الثقلین کتبا ا و عترتی

این گفتار شریف پیامبر که به حدیث ثقلین معروف شده و از طرق مختلف شیعه و سنی نقل شده است سندی است که بر حجیت کتاب و سنت دلالت می کند، به اعتبار همین حدیث، شیعه امامیه سنت پیامبر را از طریق عترت او اخذ کرده و فقه خویش را بر آن مبتنی می سازد (1).

یک حکومت عادل اسلامی لا محاله کلیه سیاستها، برنامه ریزیها، قوانین و دستور العملهای خود را باید براساس کتاب خدا و سنت پیامبرش تنظیم کرده، از آن تخطی ننماید. البته در مواردی که کتاب و سنت مسئله ای را متعرض نشده یا از

1 - پیرامون این حدیث شریف و حجیت آن به کتاب «حدیث الثقلین» از مرحوم آیه ا شیخ قوام الدین شنوی با مقدمه استاد واعظ زاده خراسانی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی مراجعه کنید. این کتاب از طرف مجمع چاپ و منتشر شده است.

-(175)-

اصول و کلیات آن حکم خاصی استنباط نمی شود، در چارچوب اختیارات حاکم اسلامی دولتها می توانند برنامه ریزی کنند.

در اصول دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، «جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان

1 - خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

2 - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

6- کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین... قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی تأمین می شود».

و در اصل چهارم آمده است:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

و برای تضمین اسلامیت قوانین، بنابر اصل نود و یکم، شورای نگهبان با عضویت 6 نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز تشکیل می شود از احکام اسلام پاسداری کنند.

و نکته مهم و جالب توجه اینجاست که مجلس شورای اسلامی که رکن اساسی قوه مقننه در نظام جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهد، بدون وجود شورای

-(176)-

نگهبان اعتبار قانونی ندارد.

2 - مشورت با صاحبان اندیشه

اصل شورا، اصلی قرآنی است که سوره ای در قرآن به آن نام اختصاص یافته و در دو آیه شریفه، در موردش سخن گفته شده است:

1 - فَابْرِمَا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لِيُنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَطًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَا نَفَعُُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (سوره آل
عمران / 159).

ای پیامبر لطف و رحمت الهی با مردم نرم و مهربان شدی و اگر تندخو و سنگدل بودی از پیرامون تو
متفرق می شدند. پس از خطاهایشان در گذر و برای آنها از خدا طلب بخشش کن و در کارها با مردم مشورت
کن. و آنچه را تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خداوند توکل کنندگان بر او را دوست دارد.

2 - وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (سوره شوری / 38).

و آنان که امر خدا را اجابت کردند و نماز را بپای داشتند و کارشان را به مشورت با یکدیگر انجام می
دهند و از آنچه روزی شان کرده ایم انفاق می کنند.

در زندگی پیامبر گرامی اسلام هم موارد بسیاری هست که آن حضرت در کارهای مهم با اصحاب و با مردم
مشورت می کردند، حتی گاهی نظر مردم را بر رای خویش ترجیح می دادند. نمونه بارز این رفتار، تصمیم
پیامبر به خارج شدن از مدینه و انتخاب صحرا و دامنه کوه است در جنگ احد. رسول اسلام با اینکه خود
معتقد به ماندن در شهر بود ولی وقتی نظر اصحاب و جوانان را به خروج از شهر دید لباس جنگ پوشیده و
به طرف احد عازم گشت. نتیجه این اقدام هر چند به نفع مسلمانان

-(177)-

نبود و آنها در این جنگ شکست خورده و شهدای بسیاری را تقدیم راه حق کردند، اما عزم راسخ پیامبر
به عمل به اصل شورا و شخصیت دادن به مردم فراتر از همه اینها بود.

اصل مشورت در صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم به خاطر سادگی جامعه هنوز به صورت یک نهاد رسمی در
نیامده بود ولی امروزه با پیچیده شدن مسائل مختلف سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و تناسب
با مقتضیات روز، این اصل مهم اسلامی به صورت ارگانهای رسمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادینه
شده و کلیه مردم در شکل گیری آن نقش تعیین کننده دارند.

طبق دستور قرآن کریم «وامرهم شوری بینهم»، «وشاورهم فی الامر» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند.

یک فصل کامل از قانون اساسی، چگونگی شکل گیری، تعداد نمایندگان، دوره نمایندگی و دیگر موضوعات مربوط به مجلس شورای اسلامی اختصاص یافته است و کلیه اختیارات قانون گذاری، برنامه ریزی، تحقیق و تفحص در همه امور، پذیرش یا عدم پذیرش هیئت وزیران و سؤال و استیضاح آنان به این مجلس داده شده است.

علاوه بر مجلس شورای اسلامی و دیگر شوراهایی که از سطح روستا تا استان در همه ادارات، کارخانجات و نهادهای علمی و فرهنگی می توانند حضور داشته باشند شورای دیگری به نام «مجمع تشخیص مصلحت»، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده شده است که در حقیقت نقش مشاور عالی برای مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد.

—(178)—

3 - بهره گیری از دستاوردهای علمی بشر در زمینه های مختلف

«سیاستهای کلی نظام اسلامی» و قوانین مختلف در زمینه های حقوقی، اقتصادی، قضایی، جزایی و... همگی ملهم از کتاب و سنت و براساس فقه اسلامی شکل می گیرند ولی در برنامه ریزی جهت اداره امور زندگی مردم، عمران و آبادانی شهرها و روستاها، توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز روشهای اجرایی مسائل فوق در چارچوب قوانین و ارزشهای اسلامی، باید از کلیه دستاوردهای علمی بشری استفاده کرد. اینهمه تشویق و ترغیبی که در کتاب و سنت به آموزش علم و دانش شده و ستایشی که از تفکر، تدبیر و تعقل در امور و نظر در خلقت در آسمان و زمین... در قرآن مجید به عمل آمده، بیانگر ارزش علم و دانش در نظر خداوند متعال است. گفتار پیامبر اکرم که فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالمین»، معلوم است که مراد علم فقه و دانش اسلامی نیست، بلکه منظور آشنا شدن به اسرار خلقت و دانشهای موردنیاز در زندگی بشر است. و این علم دارای هیچ هویتی نیست، اسلامی و غیر اسلامی ندارد، شرقی و غربی ندارد. این علم نزد هر کس بود باید اخذ کرد و در راه رفاه جامعه اسلامی، گسترش قدرت نظام اسلامی و مصالح مسلمین بکار گرفت.

دومین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قبلاً به آن اشاره شد پس از اشاره به نقش اجتهاد فقها بر اساس کتاب و سنت، بر «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» تاکید می‌ورزد.

همین روحیه انصاف در حقیقت جویی و دوری از تعصب بوده است که در گذشته تاریخ با الهام از تشویقهای بسیار اسلام و قرآن باعث خلق تمدن عظیم اسلامی و رسیدن مسلمانان به اوج ترقی و پیشرفت شده است. امروزه نیز هر نظامی که براساس اسلام بخواهد حکومت کند باید به این موضوع به عنوان یک اصل

—(179)—

ارزشی بنگرد و در توسعه علم و دانش بدون تعصب و با بهره‌گیری از دستاوردهای همه انسانها تلاش کند.

4 – احترام به افکار عمومی:

هر حکومتی برای استمرار وجودی خویش و استحکام پایه‌های قدرت خویش باید دو اصل اساسی را مد نظر داشته و بدان توجه خاص نماید:

1 – مشروعیت و ابتناء بر اصول اساسی، ارزشی و قانونی که مورد پذیرش جامعه باشد.

2 – مقبولیت و توجه به خواسته‌ها، نیازها و مصالح عمومی مردم. در یک حکومت اسلامی، حاکمان صالح باید به افکار و عواطف مردم توجه داشته و قوانین و حدود الهی را با توجه به زمینه‌های فکری و فرهنگی مردم اجرا نمایند.

اصل بیعت در اسلام هم شاید بر چنین فلسفه‌ای مبتنی باشد.

امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب علیه السلام در آغاز حکومتش، هنگامی که پس از امتناع از پذیرش خلافت با اصرار مردم روبرو شد و افکار عمومی مردم را خواهان حکومت خوددید فرمود:

لولا حضور الحاضر وقيام الحجة بوجود الناصر و ما اخذ الله على العلماء ان لا يقاروا على لظة ظالم و لا سغب مظلوم لالقيت حبلها على غاربها.

اگر حضور انبوه جمعيت مسلمانان نبود و خداوند بدین وسیله حجت را بر من تمام نکرده بود و نیز اگر خداوند از علما پیمان نگرفته بود که در مقابل پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم ساکت ننشینند، افسار خلافت را به گردن شترش می انداختم.

و نیز آنحضرت در عهد نامه خویش به مالک اشتر می گوید: ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق واعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیه فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه و ان سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه. و باید از کارها آن را

—(180)—

بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند و عالدت را فراگیرتر بود و رعیت را دلپذیرتر، که ناخشنودی همگان خشنودی نزدیکان را بی اثر گرداند و خشم نزدیکان خشنوی همگان را زیانی نرساند.

مرحله ای و تدریجی بودن تشریع برخی از احکام مثل تحریم شراب نیز شاید به منظور زمینه سازی تشریع حکم در جامعه بوده است.

حاکم اسلامی نیز باید به گونه ای با بهره گیری از روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی و سایر علوم انسانی و ارتباطی و تبلیغات مناسب اسلامی برنامه ریزی کند که جامعه بدون احساس هیچ گونه تحمیلی به طور طبیعی تن به اجرای احکام اسلامی بدهد. این امر در برنامه ریزی سیاسی که جهت توسعه و پیشرفت جامعه انجام می شود تاکید بیشتری می یابد. در این گونه امور حکومت باید همپای افکار عمومی حرکت کرده، بدون هیچگونه افراط و تفریط، جامعه را به بسوی اهداف اسلامی و پیشرفت و ترقی سوق دهد.

نمونه بارز چنین سیاستی در رفتار و کردار حضرت امام خمینی ۷ متجلی بود که به گفته برخی ناظران سیاسی و نویسندگان مطبوعات، کسانی که در ایران حضور می یافتند به سختی می توانستند تشخیص دهند که آیا این امام است که مردم را رهبری می کند یا مردم هستند که امام را به سوی اهداف خویش حرکت می دهند.

مسائل بسیاری در جامعه اتفاق افتاد که با وجودی که امام نظری خاص در مورد آن داشت ولی تازمینه افکار عمومی را آماده ندید رای خود را ابراز نداشت و به افکار عمومی احترام گذاشت.

انجام بیش از پانزده مورد انتخابات و مراجعه به آراء عمومی، رفرا ندن نظام حکومتی «جمهوری اسلامی»، قانون اساسی، متمم قانون اساسی و انتخاب رهبری نظام توسط مردم بیانگر احترامی است که این نظام به افکار و آراء عموم مردم مسلمان

(181)

ایران داشته است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اصل سوم بند 6 که به «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» تاکید می ورزد در اصل ششم می خوانیم:

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود».

بخش عمده اصولی که درباره تشکیل مجلس شورای اسلامی، انتخاب نمایندگان، انتخابات ریاست جمهوری، رفرا ندن در امور مهم و... در قانون اساسی آمده است همه جهت تسهیل، زمینه سازی و قانونمند کردن اعمال رای و نظر مردم در امور مختلف کشور و احترام به افکار آنان است.

5 - مدارا با مردم و دوری از تحمیل

﴿مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَينَهُمْ...﴾ (سوره فتح: 29).

محمد فرستاده خدا و کسانی که با او هستند بر کفار سرسخت و در بین خود مهربان هستند. مهربانی، شیوه سلوک و رفتار پیامبر اسلام و پیروانش با یکدیگر است. و اقتضا می کند که پیامبر با مردم مدارا کند و در برابر اشتباهات آنها گذشت و اغماض داشته باشد.

﴿فَبيمَا رَحِمَهُمُ اللَّهُ لَنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْفُلَابِ لَنفَضَّهُمْ وَآء

مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ
فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (سوره آل عمران/ 159).

به لطف و رحمت پروردگار با مسلمانان نرم هستی و اگر سرسخت و سنگدل بودی از گردت پراکنده می شدند.
پس از خطاهایشان در گذر و برای آنان طلب آمرزش کن.

پیامبر اکرم در برابر دسته بندیها، گروه گرایها، تعصبات قبیله ای، اشتباهات،

(182)

بی ادبیها و خطاهایی که از مردم سر می زد، در عین اینکه بر خوردی سازنده و تربیتی داشت، شدت عمل
به خرج نمی داد بلکه با آنان مدارا می کرد. حتی در مقابل کفار نیز رویه پیامبر همین گونه بود.
داستان همسایه کافر پیامبر که هر روز جسارت کرده و خاک و خاکستر بر سر او می ریخت معروف است،
آنحضرت با بر خورد انسانی خود به عبادتش می رود و او را در جریان یک موضع انسانی و عاطفی ناچار
به تسلیم و پذیرش اسلام می کند.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (سوره توبه: 128).

همانا رسولی از خودتان برای هدایت شما آمد که از فرط نوع پروری و عطوفت، فقر و پریشانی شما بر او
سخت می آید و بر آسایش و نجات شما حریص و به مؤمنان رؤف و مهربان است. داستان فتح مکه نیز گواهی
بر این مطلب است، مسلمانان پیروز در حالیکه شعار «اليوم يوم الملحمة»، می دادند و در پی انتقام
جویی بودند پیام رحمت و عطوفت پیامبر را شنیدند که «اليوم يوم الرحمة». این عطوفت و رحمت و خلق
عظیم به برکت شرح صدری بود که خداوند به او داده بود.

باز این خداوند متعال است که به پیامبرش دستور می دهد.

وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (سوره شعراء: 215).

پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمان بگستران.

فرمایشات امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب و دستور العملهایش به استانداران و والیان نیز سرشار از اینگونه دستورات است؛ نامه آن حضرت به محمد بن ابی بکر استاندار مصر اینگونه آغاز می شود:

واخفض لهم جناحك، والن لهم جانبك وابسط لهم و جهك و آس بينهم فی اللحظة والنظرة، حتی لا یطمع العظماء فی حیفك لهم ولا ییاس الضعفاء من عدلك

—(183)—

علیهم(1).

با آنان فروتن باش و نرمخو، و همواره گشاده رو، و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالت مایوس نگردند(2).

این مورد مدارای با مردم و فروتنی و نرمخویی در برابر آنان، اما موضوع دیگر که عدم تحمیل بر آنها است در چند بخش مورد نظر است.

1 – عدم تحمیل دین:

اعتقاد به خدا، پیامبر و دستورات دینی امری است قلبی که بازور سرنیزه و قدرت شمشیر بوجود نمی آید.

لَا اكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمَرْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره بقره: 256).

کار دین به اجبار نیست راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردید.

راه صحیح برای تبلیغ اسلام «دعوت» است که طبق آیه شریفه منحصر در شیوه های زیر است:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ
اَحْسَنُ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
(سوره نحل: 125).

خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق با آنان مناظره کن که
البته خدا حال کسی که از راه او گمراه شده و آنکه هدایت یافته بهتر می داند.

2 - عدم تحمیل حاکم:

بیعت و پذیرش مردم، یک اصل در حکومت اسلامی است. تاریخ اسلام نشان

1 - نهج البلاغه کتاب : 27.

2 - ترجمه سید جعفر شهیدی.

-(184)-

می دهد هرگاه آمادگی پذیرش در بین مردم نبوده است ائمه دین، خود را بر آنان تحمیل نمی کرده اند.
علی ابن ابی طالب پس از رحلت پیامبر، 25 سال گوشه گیری از حکومت را بنابر مصالح اسلام و مسلمانان
قبول کرد ولی خود را به زوربر مردم تحمیل نکرد، هر چند در دعوی خلافت خود را محقق می دانست. امام
حسن مجتبی علیه السلام نیز وقتی زمینه ادامه حکومت خویش را مناسب ندید و بیشتر مردم را متمایل به
معاویه احساس کرد اصراری بر ادامه حکومت ننمود. سایر ائمه شیعه هم که گاهی از سوی انقلابیون و
مخالفان حکومت پیشنهاد پذیرش زمامداری به آنان می شد، بنابر همین مصالح تصدی حکومت را نمی
پذیرفتند.

3 - عدم تحمیل ولات استناداران و ماموران حکومتی

حاکم اسلامی گاهی در عزل و نصب ماموران و اعطاء ولایت به آنان سر دو راهی قرار می گیرد. کسی را

حاکم می پسندد که مورد رضایت مردم نیست و کسی را مردم پیشنهاد می دهند که حاکم اسلامی صلاحیت او را تایید نمی کند، تاریخ نشان داده که بزرگان دین در چنین مواردی سعی می کردند نظر خویش را تحمیل نکنند.

جریان حکمیت و نمایندگی ابو موسی اشعری از سوی علی ابن ابی طالب نمونه ای از اجرای این اصل است.

4 - عدم تحمیل سیاستهای اجرایی

حکومتی که به نام اسلام بر مردم حکومت می کند وظیفه دارد قوانین اسلامی را عمل کرده و اجازه تعطیل حدود الهی را ندهد. اما در برنامه ریزیهای اقتصادی و اجتماعی، اخذ مالیاتها، اصلاح راهها و عمران و آبادانی شهرها، چنانچه باعث نارضایتی مردم می شود امری را به آنها تحمیل نکند.

اختیاراتی که در مواد مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شوراهای مختلف شهر، روستا، استان و مجلس شورای اسلامی و نیز مراجعه به آراء

-(185)-

عمومی، انتخاب رئیس جمهوری و رهبر و... همگی تاکید می است بر مردمی بودن نظام، عدم تحمیل بر مردم و واگذاری امور مهم به انتخاب و اختیار آنها.

6 - گسترش معنویت و اخلاق در جامعه

ایمان به غیب، پرستش خداوند، اطاعت از فرامین او و آراسته شدن انسانها به ارزشهای اخلاقی سرلوحه تمام آموزشهای انبیاء و از اولویتهای برنامه ای آنها در جامعه بوده است.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّقَتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةَ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (سوره نحل: 36).

مادر میان همه ملتها فرستادگانی فرستادیم تا شما خدا را عبادت کرده و از طاغوت دوری گزینید.

﴿الَّذِينَ إِنْ مَّكَّنَّ ذُنُوبُهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (سوره الحج: 41).

کسانی که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز را بپای می دارند.

نماز سمبل معنویت و رابطه بین انسان و خدا است و در این آیه شریفه سر لوحه عمل مؤمنانی است که به قدرت و حکومت می رسند.

اگر حکومتی در جامعه عبودیت خدا، کرنش در مقابل او و معنویت را گسترش دهد و مردم را دین باور و خداترس بار آورد به گونه ای که پرواپیشه کرده و باتقوا، طهارت نفس و پاکدامنی زندگی کنند، ریشه بسیاری از مفاسد خشکیده، آمار جنایت، خونریزی، دزدی و سرقت و هرگونه عمل ناروایی کاهش پیدا می کند و مردم در آرامش روانی و آسایش فکری بیشتری زندگی می کنند.

اصولا روح اسلام و توحید، عبودیت حضرت حق است و پیامبر بزرگوار اسلام قبل از آنکه پیامبر خدا باشد عبدا و است «واشهد ان محمدا عبده و رسوله»، و همین ارزش محوری ملاک برتری در جامعه است و فلسفه بعثت انبیاء هم تربیت انسانهایی

—(186)—

مذهب و با اخلاق بوده است:

«بعثت لا تمم مکارم الاخلاق» فرمایش رسول گرامی است و تزکیه و تهذیب هم در چندین آیه قرآن به عنوان پیام رسالت عنوان شده است.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِسَابَ وَانْكَرُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (سوره جمعه: 2).

او کسی است که در بین مردم امی پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات حق را بر آنان بخواند و آنها را پاک و مذهب ساخته کتاب و حکمت آموزد.

اولین اقدامی که پیامبر اکرم پس از تشکیل دولت در مدینه منوره انجام داد بنای مسجد بود که مرکز عبادت و معنویت است، و مولی علی ابن ابی طالب نیز در عهدنامه ای که برای مالک اشتر فرماندار انقلابی مصر و یار باوفای خویش می نویسد اولین نکته ای که به او گوشزد می کند تقوا و پارسایی است.

امر بتقوی ا و ایثار طاعته و اتباع ما امر به فی کتابه من فرائضه و سننه».

او را به تقوی فرمان می دهد و مقدم داشتن طاعت خدا بر سایر کارها و پیروی آنچه در کتاب خود فرمود از واجبات و مستحبات.

و در دستور العملی که برای محمد بن ابی بکر می نویسد، آنگاه که او را به فرمانداری مصر منصوب می کند، می فرماید:

«صل الصلوة لوقتها الموقت لها و لا تعجل وقتها لفراغ ولا تؤخرها عن وقتها لا شتغال واعلم ان كل شيء من عملك تبع لصلاتك».

نماز را در وقت معین آن به جای آر و به خاطر آسوده بودن از کار پیش از رسیدن وقت آن بر پای مدار (جمع بین نماز ظهر وعصر و مغرب و عشاء در اول وقت) آن را واپس مینداز به خاطر پرداختن به کار، و بدان که هر چیز از کار که به جای آری، پیرو نماز تو است که برپا می داری.

—(187)—

و آنهمه سخنان و خطبه های حضرت که در شرایط بحرانی حکومتش در جنگ و صلح و سفر و حضر برای گروههای مختلف مردم ایراد می فرموده و آنها را دعوت به تقوا، زهد، ترس از خدا، قرائت قرآن، یاد آوری مرگ و معاد و... می کرده و فضائل اخلاقی را به آنها آموزش می داده نشانه اهتمام آن حضرت به گسترش معنویت و اخلاق در زمان حکومتش می باشد.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

رسالت قانون اساسی این است که زمینه های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که

در آن انسان با ارزشهای والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد. و در اصل سوّم آن اشعار می دارد.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوّم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

1- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

7 - حاکمیت ارزشهای توحیدی در اداره جامعه اسلامی

حکومت ده ساله پیامبر اکرم در مدینه منوره و همه سرزمینهایی که به تدریج به حوزه قدرت اسلام افزوده شد، همچنین حکومت 5 ساله امام علی ابن ابی طالب در دوران پس از پیامبر اکرم، نشان دهنده آن است که جامعه اسلامی تنها با عدالت شخص حاکم و تقوی و فضیلت او شکل نهایی و مطلوب خویش را به دست نمی آورد.

معیارهای ارزشی اسلام که برگرفته از قرآن و سنت است باید در تمام گزینشها و عزل و نصب ها جریان یابد.

-(188)-

عزل و نصب قضات، فرمانداران استانداران، امرای ارشی همه باید مبتنی بر ملاکهای ارزشی باشد که تقوی و فضیلت عمده آن است.

شیوه های اجرایی که حکومت در اعمال قدرت، اداره جامعه و برخورد با گروههای مختلف مردم از موافق و مخالف بکار می گیرد همگی باید ضابطه مند و مکتبی باشد. در حکومت اسلامی هیچگاه هدف وسیله را توجیه نمی کند، حتی در برخورد با دشمنان هم باید عدالت و تقوی رعایت شود.

... وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى الْأَتَعْدِلُوْا ۚ اَعْدِلُوْا ۚ هُوَ اَقْرَبُ لِمَلَّتْ قُوٰى وَاَتَّقُوا ۚ اللّٰهَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿ (سوره مائده: 8).

دشمنی با قومی سبب نشود که شما از مرز عدالت فراتر روید، عدالت را رعایت کنید که آن به تقوی نزدیکتر است.

برخی از معیارهای ارزشی که در قرآن مجید به آن اشاره شده و اولیاء اسلام در اداره جامعه بدان پایبند بوده و آنها را ترویج می کردند به شرح زیر است.

1 - تقوی:

«...انَّ اكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ...» - همانا گرامی ترین شما پارسا ترین شما است.

2 - جهاد فی سبیل الله:

«...وَفَمَّا ضَلَّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» - خداوند جهادگران در راه خدا را بر خانه نشینان برتری داده و اجر عظیم برای آنها منظور داشته است.

3 - سبقت در دین:

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» - سبقت گرفتگان، سبقت گرفتگان، آنها مقربان هستند.

4 - علم

«...يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (سوره المجادله: 11).

خداوند ایمان آورندگان شما و صاحبان علم را به درجاتی برتری می دهد.

—(189)—

5 - هجرت در راه خدا

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
أَعْطَمُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (سوره توبه: 20).

کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با مال و جان جهاد کردند بالا ترین درجه را نزد خدا دارند.

6 - عمل صالح:

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾.

وهرکس از بندگان به اندازه عملی که انجام داده نزد خدا رتبه خواهد داشت و خدا از آنچه بندگان انجام می دهند غافل نیست.

﴿وَمَنْ يَأْتِهِمْ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ
الْعُلَى﴾ (سوره طه / 75)

وهرکس به خدای خود مؤمن باشد و با اعمال صالح بر او وارد شود دارای بالاترین درجات است.

در جامعه ای که حکومت اسلامی اداره کننده آن باشد این ارزشها ملاک انتخاب و گزینش مسئولان است، و ضد ارزشهای جاهلیت از رنگ و نژاد و فرقه گرایی و زبان و قومیت جای ندارد. پیامبر اکرم در اوج حاکمیت جاهلیت در جزیره العرب و مفاخره ساکنان آن به اصل و نسب و رنگ و نژاد، سلمان فارسی را از مقربین خود ساخته و فرمود: «سلمان منا اهل البيت» و بلال حبشی سیاه، غریبه و برده را که زبانش هم لکنت داشت مؤذن رسمی قرارداد، و در برابر همه پیر مردان و معمرین، اسامه ابن زید هیجده ساله را به فرماندهی لشکر برگزید و ملاک همه این گزینشها عدالت و تقوی و لیاقت و شایستگی افراد بود که ارزشهای اسلامی، قرآنی و توحیدی هستند.

—(190)—

8 - احترام به حقوق انسان

انسان در اسلام اشرف مخلوقات و تافته ای جدا بافته در میان موجودات است.

خداوند در داستان خلقت آدم به گونه ای سمبلیک ارزشهای وجودی انسان را بیان می کند:

1 - ملائکه آسمان بر او سجده می کنند.

2 - روح الهی در او دمیده می شود.

3 - خلیفه خداوند روی زمین می شود.

4 - به ملائکه علم و دانش می آموزد.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...﴾ (سوره بقره: 30).

وبیاد آر زمانی را که پرورد گارت به ملائکه گفت من روی زمین خلیفه قرار می دهم.

﴿قَالَ يَا آدَمُ ابْدِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ (سوره بقره: 33).

خداوند فرمود ای آدم ملائکه را به حقایق این اسماء آگاه ساز و چون آنان را آگاه ساخت خدا فرمود ای فرشتگان آیا به شما نگفتم من برغیب آسمانها و زمین آگاه هستم.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (سوره بقره: 34).

وهنگامی که به فرشتگان فرمان دادیم به آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند جز ابلیس. و نیز انسان امانت دار الهی است، و امانتی را قبول کرده که آسمانها و زمین از پذیرش آن ناتوان بودند.

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ

يَحْمِلُونَهَا وَاشْفَقْنَا مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (سوره احزاب: 72).

—(191)—

ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم و آنها از تحمل آن سرباززده و از آن اندیشه کردند و انسان آن را پذیرفت.

و نیز انسان دارای موقعیتی ویژه و کرامت است:

لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَمَّسَّ لَنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (سوره اسراء: 70).

ما بنی آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا آنها را حمل کردیم و از پاکیزه ها روزی آنها قرار دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم.

این انسان با این ویژگیها دارای احترام و موجودی ارجمند بوده و کلیه برنامه ها و دستورات الهی برای حفظ این حرمت و پاسداری از موقعیت ویژه اوست.

هرگونه ستم، سلطه، تبعیض و بی عدالتی بر این کرامت آسیب وارد می کند و حاکمیت اسلامی نیز وظیفه دارد آزادی انسان و کرامت او را رعایت کرده و حتی نسبت به مخالفان و کفار هم مجاز به اعمال هرگونه مجازات و تنبیه نیست.

علی ابن ابی طالب علیه السلام در عهد نامه خویش به مالک اشتر در باره حقوق مردم چنین می گوید: «اشعر قلبک الرحمه للرعیه والمحبه لهم واللفظ بهم ولا تكونن علیهم سبعا ضاریا تغتنم اکلهم فانهم صنفان: اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق... فاعطهم من عفوك وصفحك مثل الذي تحب ان يعطیک من عفوه وصفحه».

و مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همگان، و مباش چون جانوری شکاری که خورد نشان را غنیمت شماری! چه رعیت دو دسته اند: دسته ای برادر دینی

تواند، و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند... به خطاشان مگر و از گناهشان در گذر چنانکه دوست داری خدا بر تو ببخشد و گناهت را عفو فرماید.

و نیز آن حضرت در مقابل حقی که برای خود بر عهده مردم می بیند، حقوقی را

—(192)—

نیز برای مردم قائل است. «فالنصيحه لكم وتوفير فيئكم عليكم وتعليمكم كي لا تجهلوا او تاديبيكم كيما تعلموا».

این حق شما است که من خیر خواهان باشم و در آمدهای دولت را عادلانه بینتان تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا در جهل نمانید و ادب کنم تا بدانید.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم ضمن آنکه در بند 6 اصل دوم بر «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی تو ام با مسئولیت او در برابر خدا» اشاره می کند، یک فصل کامل شامل 24 اصل را به حقوق مردم اختصاص داده، مساوات، آزادی بیان، قلم، تشکیل اجتماعات، حق تعیین شغل، برخورداری از تامین اجتماعی، آموزش و پرورش را یگان، مسکن و... را از حقوق او می شمرد و بر تامین آن توسط دولت تاکید می ورزد.

9 – مبارزه با تبعیضهای ناروا

یکی از رنجهای انسان در طول تاریخ نابرابری و تبعیض بوده، انبیاء الهی و رهبران راه حق نیز همیشه برای نجات انسانها از این نوع ستم و تحقیر اقدام کرده اند.

منشور جهانی اسلام در قرآن مجید به انسانها نوید برابری داده و می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا أَنَّمَا خَلَقْتُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (سوره حجرات: 13).

ای انسانها ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را دسته دسته و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید هر آینه برترین شما با تقواترین شما است.

در این آیه هرگونه برتری ذاتی انسانها را نفی کرده، تنها چیزی که سبب ارزش برای او می شود تلاشی است که برای کسب فضیلت و تقوی از او صادر می شود.

و در روایت داریم «الناس سواسیه کاسنان المشط» انسانها مثل دانه های شانه با

(193)

هم برابرند.

هرگونه تبعیض که بر اساس رنگ، نژاد، زبان، لباس، فقر و ثروت، زیبایی و زشتی، و... بین انسانها حاکم شود ظلم است و تعدی.

و در حکومت اسلامی همه این تبعیضها نفی شده هر کس به اندازه تلاشی که در راه کسب فضایل مادی، معنوی، علم، دانش و تقوی انجام می دهد بهره مند می شود، والبتّه این بدان معنی است که همه در مقابل تلاش مساوی بهره مساوی و در برابر تلاش نابرابر بهره نابرابر خواهند برد و این عین عدالت و دادگری است. بیست و سه سال تلاش پیامبر و رنج و مرارات او نیز جهت رسیدن به این وضعیت مطلوب در جامعه بود و علی این ابی طالب هم به خاطر اینکه حاضر نشد در مقابل امتیاز طلبی های عده ای سودجو و قدرت طلب تسلیم شود، در محراب عبادت ضربت شهادت بر فرق مبارکش فرود آمد بگونه ای که درباره او گفته اند «قتل علی فی محراب عبادته لشدّه عداله»، علی در محراب عبادت به خاطر سختگیری در اجرای عدالت کشته شد.

در بند 9 اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این ارزش والای انسانی و اسلامی اینگونه مورد توجه قرار گرفته.

«رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی».

و در اصل نوزدهم و بیستم آمده است:

«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان، و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام

—(194)—

برخورد دارند».

و در ذیل اصل یکصد و هفتم که در باره رهبر یا شورای رهبری است آمده است: رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

و این عالیترین شکل مساوات و مبارزه با تبعیض است که علمای بزرگوار و فقهای اسلام شناس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور داشته اند.

10 - موضع مردمی و ضد اشرافی

آریستوکراسی و حکومت اشراف و نجیب زادگان یکی از ظالمانه ترین نظامهایی بوده که در طول تاریخ در جوامع انسانی حکمفرما بوده است، عصر بعثت پیامبر هم در جامعه مکه اشرافیت حکومت می کرده است و بزرگان قریش که طایفه برتر بوده اند حاکمیت را در انحصار خود داشته به استثمار، استعباد و تحقیر مردم می پرداخته اند. مردم در برابر حاکمان بردگانی بوده اند که حتی اختیار جان و مالشان هم در دست حکام بوده است، آنها هر گونه آزادی دین، مذهب و عقیده را از مردم سلب کرده در برابر انبیاء الهی صف آرای می کردند. 13 سال مبارزات پیامبر در مکه و ده سال جنگها و رویا روئیهای نظامی او نیز در برابر همین اشراف و گردنکشان بوده است. خداوند در قرآن مجید منطق اشراف را اینگونه بیان می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أَرْسَلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ (سوره سبا: 34).

مادر هیچ جامعه ای بیم دهنده نفرستادیم مگر مترفان (اشراف) آن جامعه گفتند ما به آنچه شما آورده اید کافریم.

﴿وَكَذَلِكَ مَا ارْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالِ مُتَرَفُّوْهُمَا اِنَّا وَجَدُوْهُم مُّآبِئًا عَلٰى اَمْسٍهٖ وَاِنَّا عَلٰى اَثَارِهِمْ مَّقْتَدُوْنَ﴾ (سورة زخرف؛ 23).

وهمچنین ما هیچ رسولی را پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه

—(195)—

اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آئین و عقایدی یافتیم که از آنها پیروی خواهیم کرد.

﴿قَالُوْا اِنُّوْ مِنْ لَّكَ وَاَتَّبِعْكَ اِلَّا رَدَّلُوْنَ﴾ (سورة شعراء؛ 111).

چگونه به تو ایمان بیاوریم در حالیکه پیروانت افراد پست و حقیر هستند.

﴿فَقَالَ الْمَلَا الْاَسْدِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمٍهٖ مَا نَرَاكَ اِلَّا بَشَرًا مِّثْلُاِنَا وَمَا نَرَاكَ اَتَّبِعْكَ اِلَّا الْاَسْدِيْنَ هُمْ اِرَادُوْا اِنَّا بَادِي الرَّآى وَمَا نَرٰى لَكُمْ عَلٰى اِنَّا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَطْمِئُكُمْ كَاذِبِيْنَ﴾ (سورة هود؛ 27).

سران کافر قوم نوح به او گفتند ما تو را مانند خود بشری بیش نمی دانیم و در بادی نظر آنان که پیرو تواند اشخاصی پست و بی قدر بیش نیستند و ما هیچگونه مزیتی بر شما نسبت به خود نمی بینیم بلکه شما را دروغگو می پنداریم.

ایشان اشراف و بزرگانی هستند که همیشه سد راه پیامبران بوده اند. در مقابل پیامبران همیشه با توده های مردم سروکار داشته و خطابشان یا ایها الناس بوده است پیامبر اسلام در مقابل ابو جهل، ابو لهب و ابو سفیان که همه از سرمایه داران قدرتمند و اشراف جاه طلب بودند یارانی چون ابو ذر غفاری بز چران و میثم تمّار خرما فروش و سلمان فارسی غریبه و بلال حبشی فقیر داشت.

پیامبران از میان توده های مردم برانگیخته شدند، با آنها زندگی کرده و برای مصالح آنها مبارزه کردند و یاران خویش را نیز از بین آنها برگزیدند. در حکومت پیامبران هم همین مردم عادی و عامی نقش داشتند و با پیام آسمانی انبیاء که فطرت انسانها را مورد خطاب قرار می داد شخصیت یافته، بپاخاستند و کاخ قدرتمندان را برسرشان خراب کردند.

مولی علی ابن ابی طالب هم در سفارشات خویش به مالک اشتر می فرماید:

ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق واعمها فی العدل واجمعها لرضی الرعیة، فان سخط العامة یجحف برضی الخاصة وان سخط الخاصة یتغفر مع رضی

—(196)—

العامة. ولیس احد من الرعیة اثقل علی الوالی مؤونه فی الرخاء و اقل معونه له فی البلاء واکره للانصاف واسال بالالحاق و اقل شکراً عند الاعطاء وابطا عذرا عند المنع و اضعف صبراً عند ملومات الدهر من اهل الخاصة. وانما عماد الدین وجماع المسلمین والعهدة للاعداء العامة من الامة فلیکن صغوک لهم و سبیلک معهم.

وبایداز کارها آن را دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فروماند، و عدالت را فراگیرتر بودو رعیت رادلپذیرتر، که ناخشنودی همگان خشنودی خواص را بی اثر گرداند و خشم خواص خشنودی عامه را زیانی نرساند و به هنگام فراخی زندگانی، سنگینی بار خواص بر والی از همه افراد رعیت بیشتر است و در روز گرفتاری یاری آنان از همه کمتر، و انصاف را از همه ناخوشتتر دارند و چون درخواست کنند فزونتر از دیگران ستانند و به هنگام عطا سپاس از همه کمتر گذارند و چون به آنان ندهند از همه دیرتر عذر پذیرند و در سختی روزگار شکیبایی را از همه کمتر پیشه گیرند و همانا آنان که دین را پشتیبانند و موجب انبوهی مسلمانان و آماده پیکار بادشمنان عامه مردمانند پس باید گرایش توبه آنان بود و میل به سوی ایشان.

در هر حکومت اسلامی باید توجه اصلی حکومت به توده های مردم بوده، تامین منافع، مصالح و معاش آنها هدف قرار گیرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با تاکید بر مساوات مردم نقش عامه مردم را در حکومت دربند هشتم اصل سوم اینگونه بیان می کند:

«مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش».

و در مقدمه این قانون تحت عنوان شیوه حکومت در اسلام آمده است:

حکومت از دیدگاه اسلام برخواسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود

—(197)—

سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی □) بگشاید.

11 - حمایت از محرومان و مستضعفان

این اصل نیز یکی از اهداف و سیاستهای حکومت اسلامی است. در طول تاریخ همه انبیاء الهی که در راه نجات انسانها قیام کرده، از طرفدار مستضعفان بوده و برای رهایی آنان از چنگال مستکبران خون آشام مبارزه کرده اند.

خداوند نیز در قرآن مجید با اشاره به برتری جویی و گردنکشی فرعون در روی زمین و سیاست تفرقه افکنانه او می فرماید، فرعون مردم را به استضعاف می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنا نشان را زنده نگه می داشت همانا او از مفسدان بود. قرآن مجید سپس اراده حق تعالی را بر پیروزی مستضعفان بر مستکبران چنین می فرماید.

□ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ □ (سوره قصص: 5).

وما اراده کرده ایم تا بر مستضعفان زمین منت گذاشته آنها را رهبران جامعه و ارثان حکومت قرار دهیم.

بدین ترتیب جبهه پیامبران و راهبران راه حق در طول تاریخ جبهه مستضعفان بوده است، حکومت آنها نیز

برای گرفتن حق مستضعفان از مستکبران برقرار شده است.

و در مقابل انبیاء هم، عمدتاً سرمایه داران و صاحبان مکتب و یا به تعبیر قرآن مترفان یعنی افراد عیاش و غرق در زرق و برق دنیا قرار داشته اند.

به زندگی و مبارزات پیامبر اکرم نگاه کنیم که اکثر پیروان و اصحابش کسانی مثل ابو ذر غفاری، عمار یاسر، مقداد، سلمان فارسی و بلال حبشی بوده اند و همین ها هم

—(198)—

تا به آخر به راه پیامبر و سفارشات او پایبند و وفادار باقی ماندند. دشمنان پیامبر را نیز کسانی مثل ابو لهب، ابو جهل، ابو سفیان و... که همه از سرمایه داران عیاش مکه بودند تشکیل می دادند.

مبارزه با این طایفه جهت احقاق حق محرومان و مستضعفان از وظایف مسلمانان شمرده می شود:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ (سوره نساء: 75).

چرا در راه خدا و نجات مستضعفان از مردان و زنان و کودکان جهاد نمی کنید. آنهایی که می گویند خدایا ما را از این شهری که مردمش ظالمند بیرون بیاور و از نزد خود برای ما یار و یاور قرار ده.

پیامبر اکرم نه تنها برای نجات مستضعفان مبارزه کرد و دو ستانش به طور عمده مردم محروم و مستضعف بودند، بلکه خودش نیز همانند آنها زندگی می کرد و از زمره آنان بود و گاه از گرسنگی سنگ به شکم می بست.

در روایت است که او مثل بردگان غذا می خورد، مثل بردگان روی زمین می نشست و مثل بردگان سوار بر مرکب می شد.

علی ابن ابی طالب نیز فلسفه تصدی حکومت را این می داند:

لَوْ.. مَا اخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ اَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كُظْمِ ظَالِمٍ وَلَا سَغْبِ مَظْلُومٍ لَا لَقِيَتْ حَبْلُهَا عَلَى غَارِبِهَا.

اگر خداوند از عالمان پیمان نگرفته بود که پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم را بر نتابند، ریسمان شتر خلافت را بر پشتش می انداختم.

و در عهد نامه اش به مالک اشتر مصرانه درباره آنها سفارش اکید می کند و

(199)

می فرماید: ثُمَّ اِنَّ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ اَهْلِ الْبُؤْسِ وَالزَّمَنِ فَاِنْ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا، وَاحْفَظْ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا مِنْ غُلَّتِ صَوَافِي الْاِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَاِنْ لَلْاَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلُ الَّذِي لِلادْنَى، وَكُلُّ قَدْ اسْتَرْعَيْتَ حَقَّهُ، فَلَا يَشْغَلُنِكَ عَنْهُمْ بَطْرُ فَا نِكَ لَا تَعْذُرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّافَهُ لَا حَكَا مَكَ الْكَثِيرُ الْمَهْمُ. فَلَا تَشْخَصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَلَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لَهُمْ، وَتَفْقِدْ اُمُورًا مِنْ لَا يَصِلُ اِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعَيُونُ، وَتَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لَا وَلَيْتَكَ ثَقُفْتَكَ مِنْ اَهْلِ الْحَشِيَّةِ وَالتَّوَاضُعِ، فَلْيَرْفَعْ اِلَيْكَ اُمُورَهُمْ، ثُمَّ اَعْمَلْ فِيهِمْ بِالْاِعْذَارِ اِلَى اِنَّ يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَاِنْ هُوَ اِلَّا مِنْ بَيْنِ الرِّعِيَةِ اَحْوَجَ اِلَى الْاِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ، وَكُلُّ فَا عْذَرَ اِلَى اِنَّ فِي تَادِيَةِ حَقِّهِ اِلَيْهِ. وَتَعْهَدُ اَهْلُ الْيَتَمِ وَذَوِي الرِّقَةِ فِي السِّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَ لَهُ، وَلَا يَنْصَبُ لِمَسَالِهِ نَفْسِهِ، وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ، وَالْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ وَقَدْ يَخْفِفُهُ اِنَّ عَلَى اَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبُّوا اَنْفُسَهُمْ، وَوَثَّقُوا بِصَدَقِ مَوْعُودِ اِنَّ لَهُمْ.

وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفْرِغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصًا، وَتَجْلِسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ اِنَّ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتَقْعُدَ عَنْهُمْ جَنْدَكَ وَاعْوَانَكَ مِنْ اِحْرَاسِكَ وَشَرْطِكَ، حَتَّى يَكَلِمَكَ مَتَكَلِّمُهُمْ غَيْرُ مُتَتَعِّعٍ، فَاِنْ سَمِعْتَ رَسُولَ اِنَّ - صَلَّى اِنَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تَقْدَسَ اَمَةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرُ مُتَتَعِّعٍ». ثُمَّ اَحْتَمِلِ الْخَرْقَ مِنْهُمْ وَالْعَى، وَنَحْ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْاِنْفَ يَبْسُطُ اِنَّ عَلَيْكُمْ بِذَلِكَ اَكْنَافَ رَحْمَتِهِ، وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ. وَاعْطِ مَا اَعْطَيْتَ هَنِيئًا، وَامْنَعْ فِي اَجْمَالِ وَاعْذَارٍ».

سپس خدا را ! خدا را ! در طبقه فرودین از مردم، آنان که راه چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان واز بیماری بر جای مانده اند. که در این طبقه مستمندی است خواهنده و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده. و برای خدا

حق از خود را که به آن اختصاص داده و نgebانی آن را بر عهده ات نهاده پاس دار و بخشی از بیت المال و بخشی از غله های خالصه را در هر شهر به آنان واگذار. که دوردست ترین آنان را همان باید که برای نزدیکان است و آنچه بر عهده تو نهاده اند، رعایت حق ایشان است. پس مبادا فرورفتن در نعمت از پرداختن به آن بازت دارد که ضایع گذاردنت کاری خرد را به خاطر استوار کردن کاری بزرگ و مهم، عذری برایت نیاورد. پس از رسیدگی به کارشان دریغ مدار و باروی ترش بدانان روی میار و به کارهای کسی که به تو دسترسی ندارد بنگر - آنان که در دیده ها خوارند و مردم خردشان می شمارند. و کسی را که بدو اعتماد داری برای تفقد حال آن جماعت بگذار که از خدا ترسان باشد و از فروتنان، تا در خواسته های آنان را به تو رساند.

و با آنان چنان رفتار کن که چون خدا را دیدی جای عذرت بماند. که این گروه از میان مردم به انصاف نیازمندترینان دیگران، و در گزاردن حق همگان تو را چنان باید که عذرت در پیشگاه خدا پذیرفته آید.

یتیمان را عهده دار باش و کهنسالانی را که چاره ای ندارند و دست سؤال پیش نمی آرند و این کاربر وایان گرانبار است و گزاردن حق همه جادشوار. و بود که خدا آن را سبک گرداند بر مردمی که عافیت جویند و خود را به شکبایی و امی دارند و به و عده راست خدا در باره خویش اطمینان دارند.

و بخشی از وقت خود را خاص نیازمندان قرارده، خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلس عمومی نبشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سپاهیان و یارانت را که نگهبانند یا تو را پاسبان، از آنان دور نگه دار تا سخنگوی مردم با تو گفتگو کند بی درماندگی در گفتار که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بارها شنیدم که می فرمود: «هرگز امتی را پاک - از گناه - نخوانند که در آن امت - بی آنکه بترسند

- و در گفتار درمانند حق ضعیف را از توانمندان بگیرند.

و درشتی کردن و درست سخن نگفتن آنان را برخود هموارکن و تنگخویی بر آنان و خود بزرگ بینی را از

خود بران، تا خدا بدین کار درهای رحمت خود را بر تو بگشاید و تو را پاداش فرمانبری عطا فرماید و آنچه می بخشی چنان بخش که بر تو گوا را افتد و آنچه باز می داری با مهربانی و پوزشخواهی همراه بود.

فرمایشات طولانی حضرت را به این جهت به طور کامل نقل کردیم تا معلوم شود اهتمام آن حضرت در دوران حکومتش به مشکلات زندگی مستضعفان تا چه حد بوده و تا کجا جزئیات رفتار با آنان را به صحابی با وفایش مالک اشتر تعلیم می دهد.

همان حضرت زمانی هم که در بستر احضار افتاده بود در وصیت به فرزنداناش می فرماید: اَ اَ فی الایتام فلا تغبوا افواههم ولا یضیعوا بحضرتکم.

خدا را، خدا را ! درباره یتیمان! آنان را گاه گرسنه و گاه سید مدارید و نزد خود ضایعشان نگذارید. سراسر زندگی امیر مؤمنان مخصوصاً دوران حکومت آن حضرت و نیز زندگی ائمه معصومین سرشار از حوادثی است که نشان دهنده اهتمام شدید آنان به محرومان و مستضعفان بوده است.

و اما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بند دوازدهم اصل سوّم، یکی از اهداف حکومت اسلامی ایران را اینگونه بیان می کند:

«پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه».

و در بند 16 همین اصول آمده است: «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به

—(202)—

همه مسلمانان و حمایت بید ریغ از مستضعفان جهان».

این بند نشان دهنده آن است که حمایت از محرومان و مستضعفان نه فقط یک سیاست اقتصادی در داخل جامعه اسلامی و کشور ایران بلکه تلاشی است که نظام اسلامی در صحنه بین المللی هم باید آنرا پیگیری

نماید.

و در اصل یکصد و پنجاه و چهارم این موضوع به شکلی روشنتر آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود میداند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد.

بنابراین در عین خود داری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

وبدین صورت همانگونه که در مقدمه آن آمده است:

قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. بویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر دنی‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَدْعُونَ﴾ واستمرار مبارزه در نجات ملل مرحوم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

12 - تنظیم عادلانه روابط و مناسبات اقتصادی

تأمین عدالت اجتماعی یکی از اهداف بزرگ نهضت انبیاء است و همه مکتب‌های سیاسی و اقتصادی نیز در دنیا مدعی این امر هستند. آنچه مهم است نوع نگرش مکاتب به عدالت اجتماعی و تفسیری است که از این اصل ارائه می‌دهند، سرمایه داری عدالت اجتماعی را در آزادی انسانها و مالکیت بی حد و حصر فردی

—(203)—

آنها می‌داند حال آنکه در گرایش‌های مختلف مکتب سوسیالیسم و کمونیسم اصالت را به جامعه داده و عدالت اجتماعی را در برقراری مساوات اقتصادی بین اعضاء جامعه تفسیر می‌کنند.

اسلام نیز که سر لوحه اهداف انبیاء را تأمین عدالت می‌داند، می‌فرماید:

لَقَدْ ارْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَاَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْذَارٌ لِّلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (سوره حديد: 25).

ما پیامبر انمان را با ادله و براهین روشن فرستاده و با آنها کتاب و میزان فروفرستادیم تا مردم عدالت را بپادارند.

تفسیر عدالت در بعد اقتصادی، در فرهنگ اسلام دارای مقومات زیر است.

1 – هر کس مالک حاصل کار و تلاش اقتصادی خویش است.

... لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ... (سوره نساء: 32).

برای مردان بهره ای است از آنچه با تلاش به دست آورده اند و برای زنان نیز بهره ای است از آنچه با تلاش بدست آورده اند.

2 – این اصل نباید موجب انباشت ثروت در دست گروهی خاص و به وجود آمدن قله های سرمایه شود. ... كَذٰى لَا يَكُوْنَ دُوْلَةً بَیْنَ اَۡلَافٍ غَنٰیاء مِّنْکُمْ... (سوره حشر: 7).

هرگز نباید مال و ثروت در انحصار اغنیاء و صاحبان ثروت و سرمایه باشد.

3 – برای رسیدن به این هدف بخشی از درآمدهای مسلمانان به افراد ناتوان و نیازمند اختصاص دارد.

وَالَّذِیْنَ فِیْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا عَمِلُوا * لِّلرِّسَالِ وَالْمَحْرُومِ (سوره معارج: 24).

آنان (متّقین) که در مالشان حقی برای افراد فقیر و محروم معین شده است.

مالیاتهای مختلف اسلامی از خمس و زکوة و صدقات و آنچه را که حاکم اسلامی بنا بر مصلحت از مردم اخذ می کند یکی از اهدافش جبران کردن شکافهای

—(204)—

طبقاتی و محرومیت زدایی در جامعه اسلامی است.

البته در اسلام اهرمهای دیگری در اختیار حکومت قرار داده شده است. انفال و ثروتهای عمومی از معادن و منابع روی زمین و زیر زمین، آبها و مرزهای عمومی، دریاها جنگلها و... همه از ثروتهایی است که در اختیار حکومت است. حکومت نیز باید با بهره برداری از این ثروتها و توزیع عادلانه در آمدها و ایجاد امکانات و زمینه های کار و فعالیت اقتصادی برای همه مردم با اختلاف طبقاتی مبارزه کرده و مناسبات اقتصادی را به گونه ای ساماندهی کند که در جامعه اسلامی وضعیت نکبت بار فقر عمومی از سویی و ثروت اندوزی گروهی خاص از سوی دیگر پیش نیاید.

البته این را نیز باید توجه داد که عدالت اجتماعی، مساوات و مواசاة فقط از راه قوه قهریه و زور قانون به وجود نمی آید بلکه تشویق به گذشت و ایثار و انفاق به عنوان یک فرهنگ فراگیر نیز در اسلام جزو اصولی است که جامعه اسلامی را به سوی برابری و برادری رهنمون می سازد.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (سوره البقرة: 261).

مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند مثل دانه ای است که هفت خوشه برویاند در هر خوشه ای صد دانه باشد و خدا بر این مقدار نیز برای هر کس بخواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی انتها است و بر همه چیز دانا است.

در نهج البلاغه امیر مؤمنان هم سفارش بسیار به تنظیم روابط سالم اقتصادی در جامعه اسلامی وجود دارد. در ابتدای روی کار آمدنش ضمن انتقاد شدید از نابرابریهای اقتصادی سوگند می خورد که تمام اموالی را که به ناحق به غارت رفته به بیت المال مسلمین باز خواهد گرداند اگر چه کابین زنان غارتگران شده باشد و نیز

می فرماید: ما رايت ثروة موفورة الا والى جانبها حق مضیّع: من هیچ ثروت انباشته ای سراغ ندارم مگر اینکه در کنارش حقوقی از مردم ضعیف پایمال شده باشد.

و در جای دیگر می فرماید:

ما جاع فقیر الا بما منع به غنی. هیچ مستمندی گرسنه نمی ماند مگر به خاطر کامیابی توانگران.

ارائه ترسیمی کامل از سیستم اقتصادی اسلام و چگونگی تنظیم روابط و مناسبات مربوطه فرصتی می طلبد که در این مختصر نمی گنجد، لذا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می نگریم و چگونگی توزیع ثروت را در این قانون بررسی می کنیم.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

«در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سود جویی... با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است».

و در بند 12 اصل سوّم یکی از اهداف حکومت را «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» می داند.

فصل چهارم این قانون مشتمل بر 13 اصل، برنامه ریزی و اصول کلی اقتصادی حکومت را برای رسیدن به اهداف فوق بیان کرده یک نظام کامل اقتصادی بر مبنای ارزشهای اسلامی، ارائه می دهد.

مواهب مادی که خداوند در طبیعت قرار داده جهت استفاده کلیه ابنای بشر آفریده شده است. و خداوند بادر اختیار گذاشتن موهبت علم و دانش و قدرت تسخیر طبیعت به انسان راه را برای بهره گیری هر چه بیشتر انسان از نعمتهای بی منتهای خویش را فراهم ساخته است:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَانزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَآخُرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبِحَارِ رِيًا مَّهِمًا وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ * وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ * وَآتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (سوره ابراهیم 32 - 34).

خداوند است که آسمان و زمین را بیافرید و از آسمان بارانی فرود آورد و بدان میوه های گوناگون برای روزی شما آماده نمود و کشتیها را به فرمانتان آورد تا به دستورش در دریا روان شوند و نهرها را به فرمانتان آورد و آفتاب و ماه را به فرمانتان آورد که از پی هم در آیند و شب و روز را به فرمانتان آورد و از آنچه در خواست کردید ارزانیتان داشت و اگر بخواهید نعمتهای خداوند را شماره نمائید توان به حساب آوردنش را نخواهید داشت. همانا انسان ستمگر ناسپاس است.

و خداوند دوست دارد که انسانها از نعمتهای حلال و پاک و پاکیزه او بهره مند شوند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِى الْاَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (سوره بقره: 168).

ای انسانها از آنچه در روی زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید.

﴿وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُواْ اللَّهَ الَّذِى أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ (سوره مائده: 88).

و هر چیز حلال و پاکیزه ای که خدا روزی شما کرده بخورید.

... كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَةً وَرَبٌّ غَفُورٌ (سوره سبا: 15).

—(207)—

از روزی خدایتان بخورید و شکر گزار او باشید. مسکنتان شهری نیکو و خدایتان بخشنده است.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (سوره اعراف: 32).

ای پیغمبر بگو چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از بهره مندی از روزی حلال و پاکیزه منع کرده است؟ بگو این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص این نعمتها و نیکوتر از اینها در آخرت برای آنان خواهد بود.

بنابراین بهره مندی از روزی خداوند و تامین رفاه برای عامه مردم از اصولی است که مورد نظر اسلام و خداوند تبارک و تعالی است. این مهم با ایجاد زمینه کار و فعالیت، عمران و آبادی شهرها و روستاها، رونق تجارت و کشاورزی و اقتصاد و برقراری عدالت اجتماعی برای همه انسانها ایجاد خواهد شد.

در بند 9 اصل سوّم قانون اساسی «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی» و در بند 12 همین اصل «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت»، از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران بر شمرده شده است.

14 - قانونگرایی

مثل معروفی است که پادشاهی دستور داد تعدادی عصا به اندازه قد او ساختند و به هر یک از شهرها و ایالتهای تحت حکومتش ارسال کردند. او به حکمرانان محلی بخشنامه کرد از رعیت هر کس قدش به اندازه عصا بود آزاد است و هر کس بلندتر

بودار پایش قطع کنند تا اندازه شود و هرکس کوتاه است آنقدر بدنش را بکوبند و پاهایش را بکشند تا او نیز اندازه شود. مقایسه می کنند بین چنین پادشاه و آنکس که اختیارات تام می دهد که هر حاکم هر چه می خواهد به میل خویش انجام دهد.

عقل آدمی ظلم با قاعده را بر ظلم بی قاعده و قانون ترجیح می دهد. وجود قانون و مقررات از ضروریات او^۱لیه زندگی جمعی است، اما مهمتر از قانون عمل کردن به آن است چرا که در بسیاری از جوامع قوانین عادلانه و متریقی نوشته می شود ولی در مقام عمل قدرتمندان و متنفذین از آن معاف و فقرا و بیچارگان به دامش گرفتار می شوند. از ویژگیهای حکومت اسلامی، یکی این است، هر گونه منع و مجازاتی فقط براساس قانون و ضابطه از پیش اعلام شده است و دوم آنکه قانون و ضابطه در حق همه مردم بالتساوی اعمال می شود.

اگر قصاص قانون حق است، هیچ فرقی بین رئیس حکومت و مردم عادی نیست. پیامبر اکرم در حالت سخت بیماری روزهای آخر عمر شریفش به مسجد آمد و از مردم خواست اگر حقی برگردن او دارند در همین دنیا یا ببخشند یا استیفا نمایند.

عربی برخاست و عرض کرد یا رسول الله در یکی از روزها خواستی تازیانه بر مرکب بزنی بر شکم من فرود آمد، من آمده ام تا قصاص کنم. پیامبر اکرم پیراهن خویش را بالا زدو آماده اجرای قانون الهی شد.

مردم با چشمان نگران خیره شده بودند که اعرابی صورتش را نزدیک آورده بوسه بر بدن پیامبر زد.

علی ابن ابی طالب در زمان حکومتش از یک فرد ذمی شکایت کرد که زرهش را دزدیده، هر دو به دادگاه احضار شدند و چون علی علیه السلام شاهد و بینة نداشت، دادگاه حق را به جانب فرد ذمی داد.

و این نشانه حکومت قانون در نظام اسلامی است که هیچکس به اتکای به قدرت

و ثروتش نمی تواند هر چند حق با او باشد ضوابط حکومت رازیر پای گذاشته و از مجرای غیر از قانون

استیفای حق نماید، چه رسد به اینکه بخواهد حق را باطل یا باطلی را حق جلوه دهد.

رعایت دقیق ضوابط، مقررات و قوانین موضوعه از طرف کلیه افراد جامعه مخصوصا صاحبان قدرت و اولیای دولت در حکومت اسلامی، باعث ایجاد امنیت و اطمینان خاطر افراد شده مردم را در کار و فعالیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کوشا... و دلگرم می کند. تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اصل برائت، مساوات مردم در برابر قانون و حرمت حیثیت جان و مال مردم در اصول 20 - 22 و 31 قانون اساسی و اصرار بر لزوم استناد هر گونه اعمال محدودیت، دستگیری و تبعید به قوانین رسمی نشان دهنده اهمیت این سند مهم انقلاب اسلامی بر لزوم حاکمیت قانون و قانونگرایی در جمهوری اسلامی ایران است.

15 - تاکید بر استقلال قوه قضائیه

دور نگاه داشتن موضوع قضاوت و دادگری از حیطه نفوذ صاحبان قدرت و استقلال قضاات عادل در صدور احکام بر طبق قانون و ضوابط از مسائل مهمی است که تامین کننده عدالت در جامعه است.

همین مهم موجب تفکیک قوادر حکومتیهای مختلف است.

هر چند با تمهیداتی که اسلام در نظر گرفته و شرایطی که برای قاضی از اجتهاد و عدالت و طهارت نفس و تقوا تعیین نموده تضمین کننده سلامت قضا و احقاق حقوق مردم است. با اینهمه دور نگاه داشتن قاضی از وابستگی به قدرت و دادن استقلال به آن کمک بزرگی در رسیدن به عدالت است.

مطالعه در تاریخ صدر اسلام نشان دهنده این است که قضاات تا آن حد استقلال

-(210)-

رای داشتند که خلیفه را نیز محاکمه می کردند، و در این راه آن قدر به رعایت تساوی در برخورد با متخاصمین ملزم بودند که حتی درنگاه کردن و صدا زدن آنها باید عدالت را رعایت می کردند.

داستان داوری عمر در مخاصمه ای که یک طرفش علی ابن ابی طالب بود معروف است. عمر هنگام دعوت متخاصمین به طرح دعوا، علی ابن ابی طالب را با کنیه که بیانگر احترام بود صدا کرد و طرف مقابلش را با اسم، علائم ناراحتی در چهره علی ابن ابی طالب آشکار شد، عمر پرسید آیا از اینکه در محضر

قاضی قرار گرفته ای و محاکمه می شوی ناراحتی؟ امام فرمود: خیر، از این ناراحتی که عدالت را رعایت نکردی و برای من احترام بیشتری قائل شدی. شریح قاضی نیز که منصوب از طرف علی ابن ابی طالب بود در زمان حکومتش او را محاکمه و رای به نفع ذمی متشاکی داد.

البته آنچه امروز به عنوان تفکیک قوه قضائیه، مقننه و مجریه در دنیا عمل می شود، در صدر اسلام به شکل امروزی اش سابقه نداشته است و به عنوان یک رویه و قانون عرفی در نظام اسلامی ایران پذیرفته شده است. ولی آنچه فلسفه تفکیک قواست که همان استقلال در رای است، جوهره عدالت را در اسلام تشکیل می دهد در مقدمه قانون اساسی در مورد جایگاه قضا آمده است:

مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون است اسلامی امری است حیاتی، از اینرو ایجاد سیستم قضایی برپایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد.

فصل یازدهم این قانون مشتمل بر 19 اصل اختصاص به قوه قضائیه دارد و در

—(211)—

اولین اصل آن (اصل 156 قانون اساسی) آمده است:

قوه قضائیه، قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار و طائف زیر است:

1 - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند.

2 - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

3 - نظارت بر حسن اجرای قوانین.

4 - کشف جرم و تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

5 - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

16 - مساوات مردم در برابر قانون

مساوات انسانها در مکتب اسلام در دو مرحله قابل بحث است:

اول: مساوات در قانونگذاری، در این مرحله کلیه انسانها در شرایط مساوی باید مشمول قانون واحد شوند و در قانونگذاری تبعیض شامل حالشان نشود.

یدخل الجنة من اطاع الله ولو كان عبدا حبشيا ويدخل النار من عصاه ولو كان سيدا قرشيا. هر کس (صرف نظر از رنگ، نژاد، قبیله، زبان، موقعیت سیاسی و اقتصادی) اطاعت خداوند را بکند داخل بهشت می شود اگر چه برده ای حبشی باشد، و هر کس (صرف نظر از تمامی موارد فوق) نافرمانی خدا را بکند داخل جهنم می شود هر چند آقایی از قریش باشد.

مرحله دوم، مرحله اجرای قانون است. در این مرحله هم همه انسانها باید به یک

-(212)-

چشم نگریسته شوند، و در اجرای قانون واحد نباید بین مردم تبعیض باشد.

قانون الهی نباید به خاطر اشراف و بزرگان تعطیل شود، لذا اگر شراب خوار عقوبتش هشتاد ضربه تازیانه است، این حد در مورد همه باید اجرا شود. یکی از بزرگان عرب در صدر اسلام مسلمان شد و به مدینه آمد، در مدینه به یکی از فقرا و افراد عادی برخورد کرده و از روی غرور سیلی به صورتش نواخت، جریان به اطلاع پیامبر اکرم رسید، حضرت دستور داد شخص مظلوم قصاص کند. عرب جاهلی که انتظار چنین برخوردی را نداشت گفت من از بزرگان عربم و نباید به خاطر یک بی سروپا سیلی بخورم پیامبر فرمود، در اسلام تبعیض در اجرای قانون نیست، بزرگ عرب تحمل عدالت نیاورد و از اسلام آوردن پشیمان شد.

آری در این مکتب همه انسانها در یک حد در حمایت قانون قرار می گیرند و همه خطاکاران به یک اندازه مجازات می شوند. انتساب به بزرگان و امتیازات جاهلی مانع از اجرای حدود الهی نمی شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم این اصل جایگاه خود را داشته و بنابر اصل بیستم:

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. براساس این قانون بالاترین مقام سیاسی و مذهبی کشور که «رهبر» جامعه است نیز با آحاد ملت دارای حقوق مساوی است.

در ذیل اصل صد و هفتم آمده است:

رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

—(213)—

17 - سادگی و صمیمیت رهبران

پس از بحث و بررسی پیرامون مساوات کلیه افراد جامعه در برابر قانون از جمله مساوات رهبران و دولتمردان نظام اسلامی با آحاد ملت، نوبت می رسد به فرهنگ صمیمت و سادگی در رابطه با دولت و ملت. این اصل در حقیقت تضمین کننده مرد می بودن نظام است حال آنکه در طول تاریخ ملتها همیشه دیواره ای آهنین بین دولتمردان و مردم عادی فاصله می انداخته است.

و در بسیاری از جوامع این سیاست حکام بوده است که با ایجاد یک رشته تشریفات و آداب و رسوم هاله ای از تقدس، ابهت و قدرت برگرد خویش ایجاد کنند به گونه ای که به صورت شخصیتی دست نیافتنی برای ملت تبدیل گردند.

این حکام تصور می کردند یا خلق چنین موقعیت افسانه ای و تخیلی برای خویش بر قدرت خویش افزوده و راه هرگونه بداندیشی و سوء ظن را نسبت به خود بر مردم می بندند.

این امر باعث شده است حکام جوامع حتی آنانکه تا حدی حسن نیت هم داشته اند از مردم فاصله بگیرند

وعده ای متملق و چا پلوس برگردشان جمع شوند.

نتیجه طبیعی چنین و وضعیتی بی خبری حکام از دردها و آلام زندگی مردم و غرق شدن در افکار و اوهام باطلی بوده است که اطرفیان فرصت طلب و متملق برایشان به وجود می آورده اند.

اما مطالعه زندگی بزرگان اسلام حقیقت دیگری را برای ما بازگو می کند که با این شیوه همیشگی حکام در تعارض و تنافی کلی بوده است.

پیامبر اسلام با همه قدرت و موقعیتی که داشته بسیار زاهدانه و متواضعانه و صمیمی با مردم زندگی می کرد. در هر مجلس که وارد می شد هر جای خالی که می یافت همانجا می نشست و مجلسش صدر و ذیل نداشت. رای دیدار او تشریفات

—(214)—

ویژه در کار نبود (کان یا کل کما یا کل العبید و یجلس کما یجلس العبید). مثل بندگان غذا می خورد و مثل آنها می نشست. (قل انما انا بشر مثلکم بوحی الی) (سوره کهف: 110).

ای پیامبر بگو من بشری مثل شما هستم، که به می وحی می شود.

یک روز عربی بیابانی به مدینه آمد خواست با پیامبر سخن بگوید، عظمت معنوی پیامبر و ابهت مقام و شکوه چهره اش مانع از سخن گفتن طبیعی اعرابی شد و زبانش به لکنت افتاد. پیامبر که چنین دید او را در آغوش گرفته، فشرد و فرمود: برادر من هم فرزند زنی هستم که مثل مادر تو بادستانش بز می دوشید. اینگونه ترس و وحشت را از دل اعرابی زدود.

در همه برخوردها، مسافرت ها، مجالس و گفتگوها پیامبر اکرم ضمن اینکه شکوه و عظمت معنویش حفظ می شد لیک به گونه ای با مردم رفتار می کرد که فاصله ای بین او و آنها ایجاد نشود و صفا و صمیمیت و سادگی اش برقرار بماند.

زندگی ساده خلفای پیامبر و صحابه آنحضرت نیز الگو گرفته از شخصیت جامع اوست. علی ابن ابی طالب در اوج قدرت نان جوین خشک تناول می فرمود و لباسی که می پوشید پست تراز لباس قنبر، غلام او بود. خودش

کفشش را وصله می زد و لباسش را اصلاح می فرمود و با فقرا همنشین و هم غذا می شد به گونه ای که گاه در کوچه های کوفه راه می رفت مردم او را نمی شناختند. این سادگی و صمیمیت در زندگی همه مردان الهی و رهبران حقیقی مسلمان وجود داشته و دارد.

امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نمونه کامل چنین مردانی است که صمیمیت و سادگی رفتار و گفتارش چنان او را محبوب قلوب کرده بود که مردم عادی هیچگونه فاصله ای بین خود و او احساس نمی کردند و سخنانش را حرف دل خود می انگاشتند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر چند اصل صریحی که اختصاص به

—(215)—

این موضوع داشته باشد وجود ندارد اما تاکید بر حقوق و شخصیت آحاد ملت، نفی تبعیض های ناروا، برابری همه افراد در برابر قانون، تاکید بر ارزشهای اخلاقی اسلامی، ایتنای تصمیم گیریها بر آراء ملت و... تضمین کننده رابطه مستحکم دولت و دولتمردان با مردم است که این مهم فقط در زمینه ای از صداقت و صمیمت بین آنها ایجاد خواهد شد. واقعیت خارجی در جمهوری اسلامی ایران هم همین حقیقت را نشان داده است که رهبران حکومت از میان مردم برخاسته، با آنها زندگی کرده و همیشه در بین مردم باکمال سادگی و صمیمیت بسر برده اند. حذف تشریفات طاغوتی از زندگی آنها و دستیابی آسان مردم به آنها در اجتماعات مختلف نمازهای جمعه و جماعات و اجتماعات عمومی و... در سایه همین ارزش عظیم فرهنگی اسلام بوجود آمده است.

18 - سیاست مقابله به مثل با مخالفان

مخالفان با حکومت همیشه بخشی از جامعه را تشکیل می دهند. همه نظامهای حکومتی دنیا در سراسر تاریخ با مخالفانی روبرو بوده اند و این مخالفان بر چند دسته ند:

1- مردم ناراضی از برخی اعمال یا اعمال حکومت، که دارای خواسته هایی مشروع هستند و از سیاستها و ناسامانیهای جامعه رنج می برند.

2- مخالفان قانونی حکومت؛ که دارای ایده های خاصی در اداره جامعه هستند و به اصطلاح دگراندیشند.

اینها در چارچوب نظام و با استفاده از ابزار قانونی به ابراز مخالفت با سیاستهای حکومت می پردازند.

3 - مخالفانی که با اساس نظام و مشروعیت آن سرستیز دارند ولی مخالفت خویش را از راههای سیاسی و تبلیغاتی دنبال می کنند.

-(216)-

4 - مخالفانی که در پی براندازی حکومت با استفاده از قوه قهریه و مبارزه مسلحانه هستند و پیوسته در حال توطئه و تخریب ارکان حکومت قانونی هستند.

برخی از حکومتها به هیچ وجه تاب نارضایتی مردم و ابراز مخالفت آنان را نداشته همه را با یک چوب می رانند این رژیم ها هرگونه صدای مخالفی را در گلو خفه ساخته اجازه اظهار نظر و عرض اندام به هیچیک از مخالفان را نمی دهند.

سیاست این حکومت ها، سیاست سرکوب، و نظامشان نظام پلیسی و توتالیتراست.

در یک جامعه اسلامی هم ممکن است هر 4 دسته مذکور وجود داشته باشند.

آموزش قرآنی به ما دستور می دهد که در برابر هر یک از 4 دسته فوق سیاستی ویژه در پیش گیریم.

در برابر دسته اول یعنی مردم ناراضی باید علت نارضایتی ریشه یابی شود و در جایی که حق با مردم است نابسامانی مربوطه رفع شود و حکومت در پی اصلاح خود برآید، و اگر چنانچه مردم بر اثر تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی دچار سوء تفاهم شده اند با توضیح سیاستها و رفع سوء تفاهمات با ترفندهای دشمنان مقابله نمائیم.

و اما در برابر مخالفان دیگر که از راه های تبلیغاتی، سیاسی و نظامی سرناسازگاری با حکومت دارند، دستور قرآن مجید چنین است:

﴿... فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ ۖ فَاَعْتَدُوا ۚ عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَیٰ عَلَیْكُمْ ۚ

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (سوره بقره: 194).

هرکس به شما تجاوز و دشمنی کرد پس با او دشمنی کنید به همان گونه که او دشمنی کرده است. این سیاست یعنی سیاست مقابله به مثل به ما می آموزد، اگر کسی با شما مبارزه تبلیغاتی کرد از همین راه با او مقابله کنید، اگر مبارزه سیاسی کرد، با او مبارزه سیاسی کنید و اگر دست به سلاح برد و مبارزه مسلحانه کرد با او با قدرت اسلحه روبرو شوید.

—(217)—

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ الْآخَرِ تَعْدِلُوا ۖ اْعْدِلُوا ۚ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (سوره مائده: 8).

ای اهل ایمان در راه خدا پادار و استوار باشید و گواه راستی و درستی. و دشمنی گروهی شما را از مرز عدالت بیرون نبرد. عدالت پیشه گیرید که به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا پیشه کنید که خداوند به هر چه می کنید آگاه است.

رفتار پیامبر با مخالفان خود در مدینه و مبارزه تبلیغاتی اش با یهود و نصاری که آیات بسیاری در قرآن مجید مخصوصا سوره بقره را به خود اختصاص داده است بیانگر آن است که تا زمانی که آنها بر علیه پیامبر و اسلام دست به حملات تبلیغاتی می زدند، آنحضرت نیز با همین شیوه با آنها مقابله می کرد ولی هنگامی که شروع به توطئه کرده دست به شمشیر بردند پیامبر هم در مقابله به مثل هیچ تردیدی در خود راه نداد. ولی با اینهمه در مبارزه مسلحانه هم هیچگاه از طریق حق و رعایت قوانین جنگی اسلام پافرا تر نگذاشت.

در زمان خلافت مولی علی ابن ابی طالب هم آنحضرت با اینکه خوارج دشمن او بودند و خلافتش را نمی پذیرفتند ولی تا زمانی که دست به توطئه نزدند حضورشان را در جامعه اسلامی تحمل می کرد، آنها حتی در مسجد کوفه رفت و آمد می کردند و در حضور آنحضرت از حکومت انتقاد می کردند و به حضرت بد می گفتند. با اینهمه سیاست حضرت، سیاست روشنگری و افشای کج فهمیهای آنها بود و جنگ و مقابله مسلحانه زمانی شروع شد که خوارج جامعه اسلامی را نا امن کرده به کشتن مسلمانان پرداختند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در فصل حقوق ملت با پذیرش آزادی بیان، قلم، احزاب و اجتماعات در چارچوب قانون و تاجایی که محل به مبانی اسلام، حقوق عمومی، استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی نباشد، وجود مخالفان

(218)

قانونی را پذیرفته و در سیاست خارجی هم بر روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب تاکید می ورزد. «سیاست مقابله به مثل» با این عنوان در قانون اساسی مطرح نشده است اما در جریان جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آنرا به عنوان سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد.

19 - دوری از خشونت و خونریزی

سیاست سرکوب در برخورد با مخالفان داخلی و جنگ مسلحانه در سیاست خارجی از جمله موارد مذموم در شرع مقدس است.

این سیاست هر چند ناپسند است اما گاهی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد لذا در اسلام حد و حدود و مقرراتی وضع شده است برای اینکه همان موارد غیر قابل اجتناب هم تحت کنترل درآید.

به طور کلی در سیاست خارجی اقدام به جنگ و نبرد مسلحانه در دو بخش قابل بررسی است. الف: جهاد ابتدایی ب: جهاد تدافعی.

در فقه شیعه جهاد ابتدایی یا آزاد یبخش به نیت توسعه حوزه نفوذ و کشور گشایی در زمان غیبت حضرت ولیعصر «عج» ممنوع اعلام شده و اکثر فقها به حرمت چنین اقدامی فتوا داده اند.

این در مورد جنگ ابتدایی با کفار است، اما اقدام به تهاجم بر علیه مسلمانان به طور قطع حرام و بغی محسوب می شود و هیچ دولت اسلامی حق ندارد بر علیه دولت اسلامی دیگر اقدام به جنگ کند.

اگر گروهی از مسلمانان اقدام به جنگ بر علیه گروه دیگر کردند همه مسلمانان موظفند اقدام به میانجی گری جهت صلح بین دو گروه کنند و در صورت ادامه تجاوز

به کمک مظلوم بشتابند.

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بِهِنَّهَا مَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفْرِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بِهِنَّهَا بِلِإْعَدَلٍ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (سوره حجرات: 9).

واگر دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند شما بین آنها صلح برقرار کنید و اگر یک گروه بر دیگری تجاوز کرد بامتجاوز جنگید تا به فرمان خدا باز آید. پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها صلح فرار سازید که خداوند اهل عدل و داد را دوست دارد.

اما گر متجاوز از کفار و غیر مسلمانان بود بر همه مسلمانان واجب کفایی است که تا رفع تجاوز با متجاوز جنگیده و از حریم اسلام و مسلمانان دفاع کنند.

... فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (سوره بقره: 194).

هر کس به شمار تجاوز کرد پس شما همانگونه با او دشمنی کنید.

اما در سیاست داخلی همیشه باید بنا را بر گذشت و رحمت گذاشت و تا جایی که ممکن است از زور و خشونت استفاده نکرد.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ وَأَمْثَلُهُمْ فِي الْأَنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (سوره فتح: 29).

محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند. در مقابل کفار سخت گیر و در بین خود مهربان هستند در زمان پیامبر اکرم هر چند منافقانی در مدینه وجود داشته و گاه دست به فتنه گری می زدند، اما هیچگاه خطری جدی از جانب آنها مسلمانان را تهدید نکرد، پیامبر اکرم هم آنها را تحمل کرد و در گیری مسلحانه با آنان بوجود نیامد.

جنگ داخلی با مخالفان پس از پیامبر و در دوران خلفا بوجود آمد. در زمان ابو بکر جنگ با اهل رده و مانعین زکوة از اولین جنگهای داخلی بین مسلمانان بود، کسان دیگری هم ابراز مخالفت در برخی موارد کرده اند که در صدد قضاوت در نحوه

—(220)—

برخورد حکومت با آنها نیستیم.

اما دوران حکومت علی ابن ابی طالب، دوران بحرانی جامعه اسلامی است. سه جنگ پی در پی در این پنج سال همه با مسلمانان بود، جنگ جمل با پیروان طلحه و زبیر که زیر پرچم عایشه جمع شده بودند، جنگ صفین با اهل شام و اتباع معاویه ابن ابی سفیان و جنگ نهروان با خوارج و کسانی که از لشکر علی ابن ابی طالب پس از ما جرای حکمیت جدا شدند.

سیاست علی ابن ابی طالب در تمام این موارد، سیاست احتراز از خونریزی و جنگ بوده است، در آغاز کار همه تلاشهای سیاسی، مکاتبه، سخنرانی و ارسال پیام جهت نصیحت ماجرا جویان و اقدام کنندگان به جنگ در پیش گرفته می شد، به طوری که اتمام حجت با آنها شده و حق بر آنان روشن شده بود. بعد از به کارگیری همه اقدامات مسالمت آمیز و ادامه تجاوز اهل بغی، علی ابن ابی طالب دست به شمشیر می برد، با اینهمه معامله او با آنها معامله با کفار نبود. پس از جنگ جمل کسانی در لشکر امام تقاضای به غنیمت گرفتن اموال متجاوزین و به اسارت گرفتن سربازانشان را داشتند، اما امام از این کار مانع شد و فرمود کدامیک از شما حاضر است که عایشه ام المؤمنین سهم او باشد.

و نیز دستور داد فراریان را تعقیب نکنند و متعرض بازماندگان متجاوزین نشوند.

نسبت به مخالفان سیاسی و بدگویان به حکومت هم امام حد اکثر مماشات را به عمل می آورد و اقدام به سرکوب آنها نمی کرد، حتی آنانی که دست به شمشیر بردند و متعرض جان و مال مسلمانان می شدند به

عدالت با آنها رفتار می کرد.

عالیترین نمونه این رفتار، بر خورد با قاتل خویش است. عبد الرحمن ابن ملجم مرادی قاتل آنحضرت توسط مردم دستگیر شد، و به دستور امام حسن مجتبی زندانی گردید. حضرت تا زمانی که زنده بود مراقب بود قاتل گرسنه نماند، خودش شخصا

—(221)—

برایش شیر می فرستاد و در وصیتی که از او در نهج البلاغه نقل است و آن را آخرین وصیت حضرت می دانند فرمود:

یا بنی عبد المطلب، لا الفینکم تخوضون دماء المسلمین خوضاً، تقولون «قتل امیر المؤمنین» الا لا تقتلن بی الا قالتی. انظروا اذا انامت من ضربته هذه، فاضربوه ضربه بضربه ولا تمثلوا بالرجال، فانی سمعت رسول الله ﷺ علیه وآله وسلم يقول: «ایاکم والمثله ولو بالکلب العقور».

ای پسران عبد المطلب ! نبینم در خون مسلمانان فروروید و دستها را بدان آلوده سازید و گوید: «امیر مؤمنان کشته شد».

بدانید جز کشنده من نباید کسی به خون من کشته شود.

بنگرید! اگر من از این ضربت از دنیا رفتم او را تنها یک ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اندام او را نبرید که من از رسول خدا ﷺ علیه وآله وسلم شنیدم می فرمود: بهره‌یزید از بریدن اندام مرده هر چند سگ دیوانه ای باشد.

آنحضرت در عهدنامه خویش به مالک اشتر نیز در این باب سخن دارد:

ایاک والدماء و سفکها بغیر حلها، فانه لیس شیء ادنی لنقمه ولا اعظم لتبعه، ولا احری بزوال نعمه، وانقطاع مده من سفک الدماء بغیر حقها. والله سبحانه مبتدئ بالحکم بین العباد فیما تسافکوا من الدماء يوم القيامة. فلا تقوین سلطانک بسفک دم حرام، فان ذلک مما یضعفه ویوهنه، بل یزیله وینقله، ولا عذر لک عند الله ﷻ ولا عندی فی قتل العمد لان فیه قود البدن و ان ابتلیت بخطا و افراط علیک سوطک او

سنيک او يدک بالعقوبه، فان في الوكزه فما فوقها مقتله فال تطمحن بك نحوه سلطانك عن ان تؤدى الى اولياء المقتول حقهم.

وبپرهيز از خونها، و ريختن آن به ناروا، که چيزی چون ريختن خون به نا حق - آدمی - را به کيفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد رشته عمر را نبرد،

(222)

و خداوند سبحان روز رستاخيز نخستين داوری که میان بندگان کند در خونهايی باشد که از يکديگر ريخته اند. پس حکومت خود را با ريختن خونی به حرام نيرومند مکن که خون به حرام ريختن قدرت را به ناتوانی و سستی کشاند بلکه دولت را از صاحب آن به ديگری بگرداند.

وبه کشتن به نا حق تو را نزد من و خدا عذری به کار نياید، چه در آن قصاص بايد. و اگر دچار خطاگشتی و تازیانه يا شمشير و يا دستت از فرمان بيرون شد - و به ناخواه کسی را کشتی - چه ده در مشت زدن و بالاتر که بيم کشتن است، مبادا نخوت دولت تو را وادارد که خود را برتر دانی و خونبهای کشته را به خاندانش نرسانی.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ايران اين اصل به روشنی و شفافيت بسيار بيان شده و موارد آن نیز مشخص گردیده است.

اصل 22 - حيثيت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل 23 - تفتيش عقايد ممنوع است و هيچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل 33 - هيچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعيد کرد يا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع يا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل 37 - اصل، برائت است و هيچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اينکه جرم او در دادگاه

اصل 38 - هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است.

اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار یا سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل طبق قانون مجازات

(223)

می شود.

اصل 39 - هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

20 - صلح طلبی در سیاست خارجی

ایجاد صلح و آرامش و همزیستی مسالمت آمیز بین انسانها از ارزشهایی است که تمام انسانها فطرتاً طالب آن هستند. قدرتهای استعمارگر که بزرگترین زرادخانه های دنیا را در اختیار دارند و هر روز که می گذرد دستشان به خون هزاران انسان آلوده می شود، آنها نیز همه جنایتهای خود را تحت عناوین بسیار پرزرق و برق و فریبنده از جمله صلح انجام می دهند.

اسلام به عنوان یک دین جامع و زندگی ساز که نسبت به امور بسیار جزئی زندگی نیز اظهار نظر کرده است نمی تواند نسبت این اصل مهم زندگی انسانها را مسکوت گذاشته و برنامه ای پیرامون آن نداشته باشد.

آیات قرآن مجید، روایات پیامبر اکرم و ائمه معصومین منبع مهم مادر دریافت نگرش اسلام نسبت به صلح است.

این نکته قبل از هر چیز لازم به یاد آوری است که قدرتهای طاغوتی و استکباری با مسائل و موضوعات مهم سیاسی و اجتماعی که با افکار و وجدانهای عامه مردم سروکار دارد، برخوردی ریاکارانه و منافقانه می کنند. حتی در طرح تئوریهای علمی و سیاسی هم سیاسی کارانه نظر می دهند. اما اسلام که

مخاطبش وجدان آدمی است و راهی جز صداقت و راستی و حقیقت گویی نمی پیماید، دیدگاه خویش را که نظر حق است، با یکرنگی و شفافیت بیان کرده به فریب و نیرنگ دست نمی زند. بنابر این در مورد صلح نیز باشناختی که از طینت و طبیعت بشری دارد واقعگرایانه به دور از

—(224)—

هرگونه شعار و غوغا سالاری نظر داده است، لذا مسئله صلح به عنوان یک ارزش مطلق در این دین مطرح نشده، و به هر قیمتی تامین نمی شود.

آنچه در اسلام اصل است، احقاق حق، ستاندن داد مظلوم از ظالم و اجرای عدالت در روابط بین الملل است.

وهرگاه بیگانگان در روابطشان با مسلمانان خواستار احترام متقابل و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای مسلمانان بوده در امور دخالت آنها دخلت نکنند و حدود و مرزهای جغرافیایی، سیاسی و اعتقادی آنان تجاوز نمایند، البته اسلام هم با چنین جوامعی بنای بر صلح و آشتی و دوستی گذاشته و احترام آنان را نگاه خواهد داشت.

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (سوره انفال: 61).

اگر بیگانگان به صلح مایل شدند تو نیز بدان مایل باش و به خدا توکل کن که او شنوا و دانا است.

صلح در جهان بینی اسلام و نظام اجتماعی - سیاسی قرآن، چیزی پسندیده و ممدوح است و عبارت «الصلح خیر» به عنوان یک اصل کلی در کتاب مقدس ما مطرح شده است ولی زندگی ده ساله پیامبر در مدینه منوره که همراه با بیش از 90 غزوه و سریه با دشمنان دین بود و نیز مبارزات 5 ساله مولا علی ابن ابی طالب در دوران خلافتش بیانگر آن است که ارزشهای دیگری نیز در اسلام مطرحند که نسبت به صلح اولویت دارند و تلاش مسلمانها نیز باید ایجاد توازن و تعادل در اصول سیاسی و اجتماعی در جامعه باشد.

از جمله اصول سیاسی که بر صلح اولویت دارد ریشه کن کردن فتنه است.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاجَهُ
فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سوره انفال: 39).

با آنها کارزار کنید تا فتنه نماند و دین یکسره از آن خدا باشد.

—(225)—

اصل دیگر برقراری عدالت است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْذَارٌ
لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
عَزِيزٌ﴾ (سوره حدید: 25).

ما پیامبران را با براهین روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان همراه کردیم تا مردم برای عدالت
قیام کنند و آهن را فرو فرستادیم.

اصل دیگر استقلال، عزت و سربلندی مسلمانان در برابر کفار است.

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.

خداوند هیچ راهی برای سلطه کفار بر مومنان قرار نداده است. در چنین شرایطی که دشمن فتنه گری
نکند، به حقوق مسلمانان تجاوز نکند و سلطه استعماریش را در چهره های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی
و اقتصادی بر جامعه مسلمانان تحمیل ننماید مسلمانها با آنها همزیستی مسالمت آمیز در پیش گرفته
صلح و آشتی را مراعات خواهند کرد.

مولی علی ابن ابی طالب به یار باوفایش مالک اشتر می فرماید.

ولا تدفعن صلحا دعاك اليه عدوك و ﴿فيه رضى فان فى الصلح دعة لجنودك وراحة من همومك وامننا لبلادك
ولكن الحذر كل الحذر من عدوك بعد صلحه.

و از صلی که دشمن تو را بداند خواند و رضای خدا در آن بود روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند لیکن زنهار! زنهار از دشمن خود پس از آشتی بهره‌یز.

در اصل یکمده و پنجاه و دوم قانون اساسی، صلح طلبی در سیاست خارجی مشروط به شرائط فوق به عنوان یک هدف در نظر گرفته شده است.

اصل یکمده و پنجاه و دوم:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هر گونه سلطه جوئی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه

—(226)—

مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

21 - پایبندی به تعهدات و پیمانها

وفای به عهد و پیمان و پایبندی به قراردادهای از جمله اصول اخلاقی، حقوقی اجتماعی و سیاسی در اسلام است.

به عنوان یک دستور العمل اخلاقی یک مسلمان نباید خلف وعده و پیمان شکنی کند، اگر در یک مسئله جزئی زندگی به برادر دینیش فراری گذاشت باید بر سر قرارش باشد.

وفای به عهد به عنوان یک اصل حقوقی (اوفوا بالعقود) الزامات شرعی در معاملات و پیمانهای اقتصادی، مالی و جز آن به وجود می آورد. از جمله مثلاً یکی از ادله لزوم عقد، در عقد بیع لزوم وفای به عهد مستنبط از «اوفوا بالعقود» است.

و نیز در پیمانهای بین دولتها و ملتها و در سیاست خارجی یکی از التزامات یک مسلمان و تعهدات او

پیمان نشکستن و بر سر عهد خویش باقی ماندن است.

﴿فَإِيمَانًا نَّكُفُّهُمْ مِّنْ بَيْنَاتٍ فِيهِمْ لَعَنَّا لَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (سوره مائده: 13).

به خاطر عهد شکنی آنها را لعنت کرده، دل‌هایشان را سخت قرار دادیم.

عهد و پیمان ممکن است بین دو مسلمان، بین دولت و ملت یا بین دو دولت باشد در تمام این موارد وفای به عهد از واجبات اسلام است.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (سوره مؤمنون: 8)

مؤمنان کسانی هستند که رعایت امانتها و پیمان‌هایشان را می‌کنند.

﴿... وَالْمُؤْمِنُونَ بَعَثَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا...﴾ (سوره بقره: 177).

کسانی که به عهدشان هنگامی که پیمان بستند وفا می‌کنند.

—(227)—

اینها بخشی از آیاتی بود که بر لزوم وفای به عهد دلالت می‌کند. و اما در نهج البلاغه نیز امیر مؤمنان به مالک اشتر چنین دستور می‌دهد:

وان عقدت بینک و بین عدوک عقده او البسته منک ذمه فخط عهدک بالوفاء وارع ذمتک بالامانه واجعل نفسک جنه دون ما اعطیت فانه لیس من فرائض الا شیء للناس اشد علیه اجتماعا مع تفرق اهوائهم وتشتت آرائهم من تعظیم الوفاء بالعهود.

اگر با دشمن پیمانی نهادی و در ذمه خود او را امان دادی به عهد خویش وفا کن و آنچه بر ذمه داری

اداو خود را چون سپری برابر پیمان‌ت برپا، چه مردم بر هیچ چیز از واجبه‌ای خدا چون بزرگ شمردن وفای به عهد سخت همدستان نباشند با همه هواهای گونه‌گون و رای‌های مختلف که در میان دارند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچگونه اشاره صریحی به این اصل نیامده اما روح قانون که وفاداری به ارزشهای اخلاقی اسلام است مستلزم چنین امری است و نیز اصولی که در مورد قراردادهای خارجی، موافقت مجلس شورای اسلامی را ضروری دانسته (اصل 77) و یا هرگونه قرارداد استعماری را که موجب سلطه بیگانگان گردد (اصل 153) ممنوع اعلام کرده تلویحا لزوم وفای به عهد و پیمانها را تأیید و تأکید می‌کند.

22 - قاطعیت و صلابت در برابر دشمنان و توطئه‌گران

دستورات آسمانی قرآن به مسلمانان همانگونه که به نرمی و عطوفت و مهربانی و رحمت در مقابل مؤمنان و دوستان تکیه می‌ورزد، مسلمانان را از هرگونه ساده‌انگاری و زودباوری در مقابل دشمن بر حذر داشته، خواهان هشیاری و پرهیز از دودلی و تردید است. در مقابل دشمن توطئه‌گر یک دولت اسلامی نباید سیاست مماشات و دست روی دست گذاشتن در پیش‌گیرد بلکه صلابت، قاطعیت، اظهار

—(228)—

قدرت و شدت از ویژگیهای سیاست اسلامی است.

﴿مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَينَهُمْ...﴾ (سوره فتح: 29).

محمد پیامبر خداست و کسانی که با او هستند بر کفار سرسخت و در بین خودشان مهربانند. و برای ایجاد اقتدار حکومت اسلامی و مقابله با دشمنان توطئه‌گر استراتژی اسلام بر آمادگی کامل مسلمانان از نظر عده و عُدّه و آموزش فنون نظامی توسط مسلمانان است به طوری که دشمن همیشه در ترس و رعب بوده، هوس حمله به مسلمانان را در سر نپرواند.

﴿وَاعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِقُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...﴾

وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾
(سوره انفال: 60).

هر چه توانستید نیرو و اسباب بسته، برای مقابله با دشمنان آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان را بترسانید.

این قاطعیت در سیره پیامبر اکرم کاملاً مشخص است که آنحضرت با کسانی که در مدینه و اطراف مدینه از یهود و نصاری بر علیه مسلمانان توطئه کرده و پیمان شکستند قاطعانه برخورد می کردند و در سرکوب آنها هیچگونه تردیدی به خود راه نمی دادند.

علی ابن ابی طالب هم با پیروان جمل و اصحاب نهروان با اینکه مسلمان بودند و نماز می خواند ند ولی هنگامی که دست به فتنه گری کرده و بر علیه دولت حق اسلامی خروج کردند قاطعانه برخورد کرد و آنها را سرکوب نمود.

این قاطعیت در برابر دشمن به معنای دفاع از حریم اسلام و حقوق مردمی است که با حکومت بیعت کرده برای احقاق حق خویش به آن دل بسته اند.

تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعطاء جایگاه قانونی به آن در قانون اساسی جمهوری اسلام ایران الهام گرفته از همین مطلب است.

—(229)—

در اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی آمده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد. برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا بر جا می ماند.

و در اصل یکصد و پنجاه و یکم آمده است:

به حکم آیه کریمه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَاعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾

تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يُعْلَمُهُمْ... □ دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید بطوریکه همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

و اگر همه مسلمانان در سراسر جهان به این اصل عمل کرده در مقابل دشمنان استعمارگر که چنگال‌های پلیدشان را تا عمق جان مسلمانان فروبرده اند، قیام می‌کردند و با هر توطئه کینه‌توزانه و فتنه‌انگیزیهای دشمنان مردانه و با صلابت مقابله می‌کردند، امروز وضع دنیای اسلامی به حالت اسفناکی که مشاهده می‌کنیم نبود، تاسف بار است که ما قوه غضبیه و غیرت دینی خود را در مقابل دشمنان فتنه‌گر از دست داده ایم، اگر دولتی اسلامی هم در یک گوشه از دنیا تاسیس شود انواع دسیسه‌ها بر علیه‌اش طراحی می‌شود.

نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی بیانگر همین مطلب است، اما خوشبختانه رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی قدس □ نفسه الزکیه با تیزبینی و فطانت مؤمنانه خویش موقعیت را خیلی خوب درک کرد و بدون هیچگونه تردیدی در مقابله قهرآمیز با فتنه‌گران آلت دست اجانب از حریم انقلاب و جمهوری اسلامی پاسداری کرده و به آیه «شَرِيفُهُ قَاتِلُ الْكَفَّارِ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» جامه عمل پوشاند.

—(230)—

مجموعه بیست و دو اصل در تبیین اهداف و سیاستهای حکومت اسلامی در حقیقت نگاهی گذرا و عابر بر اهم این اصول بود پیگیری این اصول در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بیانگر اسلامی بودن این قانون والهام‌گیری آن از کتاب و سنت است.

امید است در آینده فرصتی پیش آید که این نوشته سطحی را عمق بیشتری بخشیده در اختیار علاقمندان قرار دهیم. □ هو الموفق المعین.